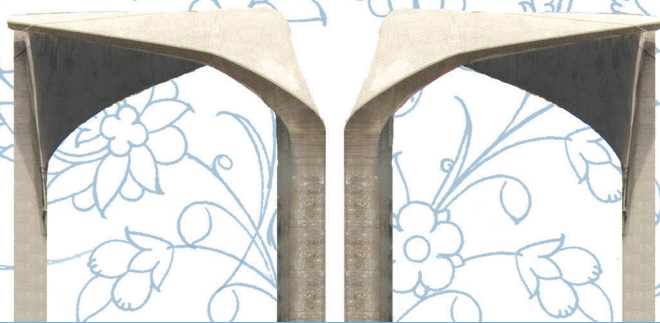


# پی گیری تخصصی مسائل نظام

(شیوه نامه کار علمی در یک شکل دانشجویی)



بسم الله الرحمن الرحيم

## پی گیری تخصصی مسائل نظام (شیوه‌نامه‌ی کار علمی در یک تشکل دانشجویی)

تقدیم به شهید مصطفی احمدی روشن،  
روشن‌کننده‌ی راه و رسم شهادت‌طلبی و بسیجی  
بودن در دهه‌ی پیشرفت و عدالت

اشاره: متن زیر حاصل تلفیق و تصحیح پیاده شده‌ی چند ارائه‌ی دانشجویی در سال ۱۳۹۱ در جمع معاونت‌های علمی و بسیج دانشجویی دانشگاه تهران، معاونت‌های علمی بسیج دانشجویی‌های پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران، بسیج دانشجویی دانشکده‌ی برق دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران، مرکز مطالعات سلامت بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران، معاونت‌های علمی دانشکده‌های علوم انسانی بسیج دانشجویی‌های دانشگاه‌های شهر تهران به‌وسیله محمدصادق شهبازی است.

## فهرست موضوعی

### فصل اول: الزامات جنبش دانشجویی دهه‌ی عدالت و پیشرفت

۱. نیازهای متفاوت لحظه‌های انقلاب
۲. نیازها و نزاع‌های دوره‌های مختلف انقلاب
۳. الزامات دهه‌ی چهارم انقلاب کبیر اسلامی
۴. رابطه با دولت‌ها و مسئولین
۵. اولویت‌ها و سایر کارها

### فصل دوم: بررسی وضع موجود و مشکلات و آسیب‌های کارهای علمی و تخصصی

#### تشکل‌های دانشجویی

۱. ضرورت توجه به ویژگی‌های ممتاز در یک تشکل دانشجویی
۲. آدرس‌های غلط:
  - تفاوت وظایف علمی فردی و وظایف تشکل دانشجویی
  - اختراع، کنکور، المپیاد و ISI، آدرس‌های غلط علمی نظام
  - کج‌فهمی کار تخصصی
  - آدرس غلطی به نام تولید علم در یک تشکل دانشجویی
  - درگیر کردن همه ظرفیت‌ها در جایی که تکلیف نیست
  - موازی‌کاری، بخشی‌نگری یا جزو پازل نهادها و مراکزی که وظیفه انجام مسئله‌ای را دارند
۳. آسیب‌های عدم انجام وظیفه:
  - بی‌توجهی به تفاوت‌ها
  - آسیب قطعه‌قطعه شدن فعالان دانشجویی
  - آسیب ناامیدی از حوزه‌ی تخصصی و تغییر رشته
  - وضعیت نا به سامان‌تر علوم انسانی
  - عدم توانایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای کشور

#### فصل سوم: چه باید کرد؟

۱. ابعاد مختلف زندگی یک فعال دانشجویی
۲. گره زدن ابعاد مختلف زندگی دانشجویی و مأموریت‌های یک تشکل دانشجویی
۳. وظایف یک تشکل دانشجویی
۴. ویژگی‌های خاص محیط و فعالیت دانشجویی و وظایف مرتبط با مسائل نظام و فضای علمی
  - ویژگی‌های خاص محیط دانشجویی و فعالیت دانشجویی
  - آرمان‌خواهی

- گفتمان سازی راه اصلی اثرگذاری جنبش دانشجویی
- تصمیم‌سازی و نه تصمیم‌گیری
- تلاش برای اصلاح سازوکار نه اقدام و درگیر حل مسئله شدن
- ضرورت مطالبه داشتن و پی‌گیری آرمان‌ها
- ضرورت حضور فکری و فیزیکی در مسائل کشور
- پی‌گیری تخصصی مسائل نظام

### فصل چهارم: گام‌های عملیاتی

۱. شناخت کلی پیدا کردن از مسائل حوزه‌ی تخصصی
۲. پی‌گیری مسئله
۳. بعضی نکات مهم در فرآیند پی‌گیری تخصصی مسائل نظام
- مسئله‌ی نیرو
- محوریت یافتن اقدام جمعی و تشکلی و قرارگاهی
- کار محوری نه تشکیلات محوری
- مسئله محوری نه رشته محوری
- معضل دانشجویان تحصیلات تکمیلی
- توجه به نسبت کار علمی فردی با پی‌گیری تخصصی مسائل نظام
- تحلیل پیدا کردن از مسئله و عدم اکتفا به پیش‌نهاد بیرونی
- سطوح مختلف مطالبه
- واقع‌بینی به اثرگذاری مطالبه
- درک جایگاه پی‌گیری تخصصی در زندگی اجتماعی فرد
- توجه به لوازم پی‌گیری تخصصی مسائل نظام ضمن عدم سرگرم شدن به لوازم
- ضرورت دید سیاسی داشتن
- مطالبه خانگی و عدم معارضة
- عدم سطحی‌نگری و خود متخصص پنداری
- عدم پیچیده کردن و تعمیق بیجای مسئله
- عدم نردبان کردن پی‌گیری تخصصی مسائل نظام
- درک دوران رشد و پیشرفت کشور و عدم یأس
- اولویت پاسخ به نیاز لحظه‌های انقلاب به کارهای زیرساختی
- عدم پرداختن به سنگ بزرگ
- توجه به قوانین، اسناد و نهادهای مربوط
- مشکلات ویژه‌ی علوم انسانی‌ها
- معضل خاص دانشجویان رشته‌های با مدت تحصیل طولانی
- نگاه درست به فرآیند جذب افراد به تشکل



- اضطراب و کارهای بر زمین مانده
- مستندسازی و خدمات پس از فروش

### فصل پنجم: نمونه‌های موفق در فرایند یا نتیجه

- مبارزه با بازاریابی شبکه‌ای
- نقد صدا و سیما
- پی‌گیری مسائل تخصصی حوزه‌ی نفت
- پی‌گیری وضعیت کارگران
- مبارزه با دانشجوی پولی
- پی‌گیری وضعیت آموزشی گروه‌های علمی دانشگاه
- مقابله با ساخت و سازهای خلاف اصول در تهران
- پی‌گیری تخصصی مسائل نظام در حمایت از فلسطین
- پی‌گیری وضعیت علم و فناوری در کشور
- پی‌گیری تخصصی مسائل نظام در انتخابات
- پی‌گیری سیستماتیک وضعیت حجاب و عفاف
- پی‌گیری بیداری اسلامی با شیوه‌ی تخصصی
- مقابله‌ی با کارتن‌خوابی
- مقابله با خصوصی شدن سلامت و آموزش و پرورش و پی‌گیری خصوصی مسائل نظام

### سلامت

- پی‌گیری مسائل خصوصی‌سازی
- پی‌گیری‌های حقوقی مسائل کشور
- پی‌گیری عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی
- جنبش دفاع از استقلال
- جلوگیری از تخریب مزار شهدا
- پی‌گیری مسائل حاشیه‌نشین‌ها
- پی‌گیری تخصصی مسائل کشاورزی
- مقابله با اولویت تولید خارجی به تولید داخلی
- مبارزه با واردات بی‌منطق محصولات کشاورزی
- حمایت از تولید کشاورزی و کاهش وابستگی در قوت غالب مردم

## ◀ فصل اول :

### الزامات جنبش دانشجویی دهه‌ی عدالت و پیشرفت

#### ۱. نیازهای متفاوت لحظه‌های انقلاب

هر دوره و لحظه از انقلاب کبیر اسلامی، به تبع طی کردن مراحل مختلف آن و نقش‌آفرینی متفاوت دشمنان، واجد اولویت‌ها و الزاماتی است که با دوره‌های دیگر آن متفاوت است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی: «هر انسانی باید تلاش کند، نیاز لحظه را بشناسد و آن را برآورده کند. اگر نیاز این لحظه‌ی تاریخ را نشناختید و آن را برآورده نکردید و فردا فهمیدید، کار گذشته و دیر شده است؛ مثل یک خط تولید که همین‌طور حرکت می‌کند و تکنسین‌ها و کارگران و مهندسان و متخصصان در جای خودشان قرار گرفته‌اند. وقتی این ابزار جلو شما می‌رسد، اگر کاری را که باید انجام دهید، انجام ندادید، دیگر از دست رفته است؛ ابزار بعدی یک چیز دیگر است. تاریخ و زمان و نیازهای جامعه این‌طوری است؛ و این آن چیزی است که جوان به خصوص دانشجویان از عهده‌ی آن برمی‌آید؛ می‌تواند آن را بداند و می‌تواند عمل کند؛ چون انرژی دارد؛ فعال است؛ چشمش باز است؛ ذهنش باز است؛ آینده هم متعلق به اوست؛ برای خودش هم کار می‌کند». (بیانات در دیدار از دانشگاه صنعتی شریف ۱/۹/۱۳۷۸)

#### ۲. نیازها و نزاع‌های دوره‌های مختلف انقلاب

دهه‌ی اول انقلاب و شرایط تحقق فرآیند انقلابی، تثبیت انقلاب و شکل‌گیری نهادها، مقابله با گروهک‌ها و تجزیه‌طلبی، مقابله با نقش‌آفرینی استکبار جهانی در کشور، صدور انقلاب، مقابله با استضعاف و عدم پیشرفت متوازن روستاها و حاشیه‌ی شهرها، جنگ نظامی و... عرصه‌هایی بود که جنبش دانشجویی را بسته به نیاز لحظه به صحنه کشاند، بسیاری نهادهای انقلابی و مناسبت‌های تقویمی که افتخار ملی به شمار می‌آیند از سپاه و جهاد تا فتح لانه و انقلاب فرهنگی مشحون از این حضور و نقش‌آفرینی است.

دهه‌ی دوم با مسائلی از جنس سازندگی، جنگ فقر و غنا، تهاجم فرهنگی، نوسازی معنوی، مقابله با تجدیدنظرطلبی و دهه‌ی سوم با جنبش آزاداندیشی، نهضت عدالت‌خواهی، نهضت تولید علم، دفاع از استقلال و عزت ملی، مقابله با جنگ نرم و... رو به رو بود. نیازهایی که هر چند با پاسخ‌هایی مواجه شد، اما واکنشی، منفعلانه، با تأخیر فاز، تزاحم با اقدامات بی‌اولویت، بخشی‌نگری، ماندن در نوستالژی جنگی که بود و... نتوانست مانند دهه‌ی اول به صوت کامل نقش تاریخی جنبش دانشجویی را ایفا کند و دانشگاه، ضلعی فعال و پیشرو در تحول و تعالی کشور

باشد. مهم‌ترین مسئله این است که باید فرزند زمان خویش بود، و به نیازهای آن پاسخ گفت، وگرنه انجام کار خوبی که نیاز یک دوره است در بسیاری موارد در دوره‌ی دیگر می‌تواند مضر یا حداقل بی‌اولویت باشد. وقتی نوع و مدل کارهای یک تشکل در زمان جنگ، دولت‌سازندگی، دولت‌اصلاحات، یا شرایط دهه هشتاد و نود یک چیز باشد، و تغییرات زمانه تغییری در آن ایجاد نکند، کج کارکردی ایجاد می‌شود.

### ۳. الزامات دهه‌ی چهارم انقلاب کبیر اسلامی

حال در آستانه‌ی نیمه‌ی دهه‌ی چهارم انقلاب کبیر اسلامی، اولویت‌ها و نیازهایی پیش‌آمده که با گذشته متفاوت است. طبیعی است باید عالم به زمان بود، و مطابق نیازها ویژگی‌های زمانه باید عمل کرد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب در شرایط پیچ تاریخی که هر هزار سال یک‌بار ممکن است برای ملتی رخ دهد، واقع شده‌ایم. به تبع مقاومت سی‌ساله‌ی ملت ایران، ملت‌های اسلامی و عدالت‌خواهان و آزادی‌خواهان دنیا نیز بیدار شده و احساس هویت کرده‌اند، بیداری اسلامی در کشورهایی نضج گرفته و به ثمر نشست است. استکبار جهانی نیز در تلاش پرورش گزینه‌های بدیل اسلام‌گرایی منهای مقاومت و عدالت در جهان نظیر مالزی و ترکیه و قطر است، از سوی دیگر نیز بی‌سابقه‌ترین فشارها و تحریم‌ها در طول تاریخ بشری علیه ملت ایران به کار گرفته می‌شود. از سبک زندگی تا الگوی پیش‌رفت دعوا سر ارائه‌ی الگوی موفق و اثبات حقانیت و کارآمدی و مقبولیت نظام اسلامی است. در این شرایط، نقش‌آفرینی جدی همه‌ی امت اسلامی و مشخصاً مردم ایران و علی‌الخصوص نخبگان پیش‌ران مثل محیط دانشجویی ضروری می‌شود. نقش‌آفرینی متفاوتی که باید به نیازها و مسائل نظام در این دوره پاسخ بگوید، زمینه‌های جهش را با توجه به کارویژه‌های خود فراهم کند و با موانع آن مقابله کند. از سوی دیگر در سیر مشخص شده به‌وسیله رهبر معظم انقلاب، از انقلاب اسلامی به مثابه یک پروژه پایان‌ناپذیر که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ اولین ثمره شیرین آن محقق شده است، بعد از تثبیت و اسلامی شدن چهارچوب‌های کلی حکومت در قالب نظام اسلامی، پروژه ناتمام دولت اسلامی در قالب اسلامی کردن و تغییر روش و منش مسئولین، پروژه جامعه اسلامی در قالب اسلامی شدن ساختارهای مختلف حکومت و شیوه زندگی مردم برای تحقق جامعه اسلامی و حیات طیبه هستیم، تا در تداوم آن کشور و بین‌الملل اسلامی و تمدن اسلامی محقق شود. این نقش‌آفرینی ویژه، احتیاج به گامی فراتر از نقش‌آفرینی‌های عادی و معمول دارد و به تبع پیچیده شدن شرایط و اولویت‌های متفاوت آن الزامات متفاوتی دارد. الزاماتی که در حال حاضر باید به اقتضات بزرگ‌ترین چالش لحظه‌ی انقلاب، یعنی اقتصاد مقاومتی پاسخ بگوید و در برابر جنگ نرم دشمن با معنای تلاش برای تغییر محاسبات مردم و مسئولین کشور و امت اسلامی در مقابل امکان مقاومت مقابل دشمن و تحقق پیشرفت در این شرایط، پاسخ بگوید و از سوی دیگر زمینه‌های به بار نشستن واقعی پیشرفت و عدالت را در دوره‌ای که محور گسترش یا محو انقلاب کبیر اسلامی است، مهیا کند. دوره‌ای که باید هم در مقابل فشار خارجی مقاومت کرد، هم باید اتفاقی که ما را به سمت درگیر شدن با

مسائل اصلی کشور، تلاش برای نقش آفرینی بر اساس ویژگی های ممتاز و مزیت های رقابتی در جنبش دانشجویی دهه ی چهارم انقلاب کبیر اسلامی می کشاند. امری که بعد از حدود یک دهه رکود جنبش دانشجویی ضرورت بازخوانی و احیای دوباره ی آن را فراهم می کند و ما را به سمت پی گیری تخصصی مسائل نظام رهنمون می سازد.

#### ۴. رابطه با دولت ها و مسئولین

یکی از مسائل دیگر رابطه دانشگاه با دولت ها است. نیازهای دهه های مختلف انقلاب، فضای عمومی کشور و نوع نگاه های مسئولین است. در دهه های گذشته بسته به میزان همسویی با آرمان های انقلاب و جهت گیری های سیاسی مسئولین و جریان های مختلف دانشجویی گونه های مختلف تعامل دانشگاه و به تبع ن فضای عمومی نسبت به مسئولین شکل گرفته که در اکثر موارد آسیب ها و ناهمخوانی های زیادی را ایجاد کرده است. مثلاً با آمدن مسئولینی که آن درجه مورد انتظار از همخوانی با آرمان های انقلاب در آن ها متصور نبوده، انفعال مطلق و سپردن عرصه عمومی به جبهه های غیرانقلابی یا برخوردهای تند و معارضه با دولت ها شکل گرفته که هم شائبه برخورد سیاسی و جناحی را دامن زده است، هم فرصت تمدن سازی و ایجاد ظرفیت برای نظام اسلامی را به تهدید بدل کرده است. که مهم ترین دلیل آن عدم وجود رویکرد درست در رابطه با مسئولین، در کارهای دانشجویی بوده است. رویکرد درست بر اساس مینا و مسئله واقعی می تواند بسیاری از مسائلی از این دست را حل کند.

#### ۵. اولویت ها و سایر کارها

طبیعی است، وقتی از اولویت بودن یک حوزه یا جدی تر بودن یک عرصه از منازعه با دشمن سخن می گوئیم، به معنای نفی دیگر عرصه های منازعه و نفی فعالیت عده ای در اولویت های با درجه ی اهمیت کم تر نیست. به این معناست که ضمن انجام وظایف، چند خط جدی را باید اولویت داشته باشیم و به نتیجه برسانیم، این اولویت حتی خودش را در نوع کارها یا اولویت های دیگر نشان می دهند. این که رهبری در شرایط منازعه ی جدید تعریف شان از تهاجم فرهنگی و جنگ نرم را از تأثیر گذاری بر مغزها و قلب ها به تغییر محاسبات مردم و مسئولین تغییر می دهند، گویای همین مسئله است. کار فرهنگی که با مقاومت ملت ایران نسبتی پیدا نکند در این جا اولویت ندارد. موضوع ورود ما به مسائل جهان اسلام از منظر مقاومت مقابل نظام سلطه و هم افزایی در این حرکت باید متأثر باشد. الگوی عملی رهبری انقلاب و حتی توصیه های شان در این زمینه قابل استفاده ی جدی است، مثلاً حتی ایشان به ائمه ی جماعات جهان اسلام توصیه می کردند آیاتی که مقابله با طاغوت و استکبار است در نمازشان استفاده کنند. غرض اینکه وقتی کشور چند اولویت مشخص دارد، ظرفیت ها محدود است، دیگر انجام کارهای خوب موضوعیت ندارد، باید کار با اولویت کرد. به معنی این هم نیست که حالا که مثلاً منازعه ی اصلی اقتصادی است همه ی کارها تعطیل شود، همه فقط همین کار را بکنند. اما به این معنی هست که کار سیاسی و فرهنگی و مذهبی و... این دوره باید با دوره هایی که موارد دیگری اولویت بود، متفاوت شود.



## ◀ فصل دوم :

### بررسی وضع موجود و مشکلات و آسیب‌های کارهای علمی و تخصصی تشکل‌های دانشجویی

#### ۱. ضرورت توجه به ویژگی‌های ممتاز در یک تشکل دانشجویی

وقتی از کار علمی، در یک تشکل دانشجویی یا شهری و مسجدی و ... بحث می‌شود. باید از یک سو به ماهیت آن تشکل و اعضایش نگریست و کارویژه‌های آن را دید، از یک سو با توجه به نیازهای مختلفی که در دانشگاه و کشور و جامعه و دنیا هست، تفاوت‌ها و ویژگی‌های ممتاز و مزیت‌های رقابتی را با متولیان امر (معاونت علمی ریاست جمهوری، وزارت علوم، شورای عالی انقلاب فرهنگی، بنیاد ملی نخبگان، بسیج علمی و تخصصی و...) و گروه‌های مختلف فعال در این عرصه (کانون‌های تفکر، انجمن‌های علمی، گروه‌های تخصصی علمی، شرکت‌های دانش‌بنیان و...) درک کرد. عدم توجه به این ویژگی‌ها موجب عدم شناخت درست وظیفه، و گرفتار شدن در آدرس‌های غلط می‌شود.

آدرس غلط، فقط به معنی انجام کار اشتباه و ضربه زنده و پر کردن پازل دشمن نیست، گاهی به معنای انجام کارهای خوبی است که حتی بعضاً کار است، کار خوب هم هست، نیازی هم از کشور و جامعه ممکن است رفع کند، اما انجام آن کار در این شرایط زمانی و مکانی و بسته به نیازهای جامعه و توان ویژگی‌های ممتاز مجموعه‌ی مورد نظر، تکلیف نیست. تکلیف افراد، عناصر، مراکز، مجموعه‌ها و جمع‌های دیگر است، یا اولویت فرد و مجموعه نیست، یا اساساً اولویت نیست. مزیت نسبی یا رقابتی یک تشکل دانشجویی و ویژگی‌های ممتاز او، تکلیف‌های دیگری را در این حوزه ایجاد می‌کند، که افراد و مجموعه‌ها در قبال عدم انجام آن و انتخاب کارهای بی‌اولویت ولو کارهای خوب بی‌اولویت، مسئول‌اند.

رهبر معظم انقلاب، هم ضمن تشویق بسیج دانشجویی به ورود به جهاد علمی، نهادهای دیگر علمی را کمک‌کننده و نه رقیب آن دانستند: «جهاد علمی برای شما لازم است. باید در میدانهای علم وارد بشوید؛ وزارتخانه‌ها هم باید کمک کنند؛ معاونت‌های تحقیقاتی هم باید کمک کنند؛ معاونت‌های اداری مالی دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌ها هم باید کمک مالی کنند؛ خود سازمان مقاومت بسیج هم در بخشهایی باید کمک و پشتیبانی کند». (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶ / ۰۲ / ۳۱)

## ۲. آدرس‌های غلط:

### • تفاوت وظایف علمی فردی و وظایف تشکل دانشجویی

یکی از بزرگ‌ترین آدرس‌های غلط، یک‌سان انگاری وظایف علمی فردی با وظیفه‌ی تشکل دانشجویی است. این خلط، باعث شده، هر جا می‌خواهند معاونت علمی منصوب کنند، می‌گویند خب کی درسش از همه بهتر است، صرفاً معدل بالاها را می‌گذارند، یا کسانی که T.A. (دستیار استاد) هستند. بعد، همین آدم‌ها چون دغدغه‌ی اصلی‌شان رشد علمی فردی است، یا نگاه‌شان این است که صرفاً یک تعداد بچه‌های درس‌خوان عضو مجموعه شوند، یا صرفاً درس خواندن بچه‌ها قوی شود، یا این که بچه‌ها پروژه بگیرند و کار کنند، کلاً در تشکل اتفاقی نمی‌افتد. یا نگاه‌ها صرفاً به ارتقای علمی اعضای تشکل، مثلاً اعضای بسیج محدود می‌شود. منطبق غلط هم اصولاً این است که اگر مثلاً ما بچه‌های مان به‌جای کارهای تشکیلاتی، صرفاً خوب درس بخوانند و معدل‌های بالای دانشگاه باشند، یا T.A. درس‌های مختلف باشند، بهترین تبلیغ است و این بچه‌ها درازمدت هم نیروهای به‌دردبخور برای انقلاب خواهند بود. نتیجه این که کارهای مجموعه هم روی هوا می‌ماند، تعدادی آدم که سابقه‌ی انقلابی و دغدغه‌مندی جدی و هزینه دادن برای انقلاب و دل‌سوز واقعی شدن را ندارند، تولید انبوه می‌شوند، (توهم احساس ارضا و انجام تکلیف و جهاد برای انقلاب در قالب درس خواندن فردی هم برای‌شان رخ می‌دهد)، یا این که تمام ذهنیت بچه‌ها روی این می‌رود که مثلاً کلاس تقویتی، کنکور کارشناسی ناپوسته، ارشد و دکتری برای اعضای مجموعه بگذارند، یا کلاس حل تمرین جدا برگزار کنند و... که گاهی اوقات شرکت‌کنندگان این کلاس‌ها اعضای مجموعه هم نیستند، و مجموعه صرفاً به مرکز ارائه‌ی خدمات به دانشجویان تبدیل می‌شود و در عمل کار یک مؤسسه‌ی کنکور را انجام می‌دهد، یا با مراکز آموزشی مثلاً کلاس‌های ISO در مؤسسات خصوصی رقابت می‌کند! خوب‌های‌شان هم مثلاً مسابقه‌ی پل ماکارونی و پیل الکترونیکی، یا کلاس غرب‌شناسی و علم دینی برگزار می‌کنند، تازه اگر گرفتار آدرس‌های غلط و اولویت‌های بی‌جا در مبارزه نشوند. مضحک‌تر آن که بعضی جاها حتی کار به این جا رسیده است، که مثلاً همایش ملی آن حوزه‌ی تخصصی - که کار سازمان مربوطه‌اش هست - را بسیج یکی از دانشکده‌های صنعتی تهران برگزار می‌کند!

### • اختراع، کنکور، المپیاد، ISI، آدرس‌های غلط علمی نظام

نه فقط تشکل‌های دانشجویی که بدنه‌ی کارشناسی نظام و حتی مسئولین، در طول سال‌های گذشته گرفتار آدرس‌های غلط متعددی در حوزه‌ی علمی شده‌اند. تمرکز روی رتبه‌های بالای کنکور و المپیاد و اختراع و چیزهایی از جنس روبروکاپ گام اول بود. اختراع‌های متعدد صورت می‌گرفت، المپیادهای مختلف محل مسابقه شده بود، اما اتفاقی در وضعیت علمی کشور صورت نمی‌گرفت. حتی مجموعه‌های مهم ارزشی در کشور، همه‌ی توان‌شان را روی این حوزه گذاشته بودند، حتی جشنواره برای مخترعین حزب‌اللهی و بسیجی درست شد. یک حسینی‌های در منطقه‌ی ۱۷ تهران به اسم موسی بن جعفر (علیه‌السلام) هست که به مسجد المپیادی‌ها معروف بود، هر

سال کلی‌المیادی و رتبه‌ی تک‌رقمی کنکور داشت، مسئولین عالی‌لشگری و کشوری و حتی رهبر انقلاب در دهه‌ی هفتاد با اینها دیدار داشتند. رهبر انقلاب در آن دیدار وظایف دیگری مثل کار فرهنگی را به این گروه تذکر داده بودند، کنایه از این که این همه‌ی مسیر و نقطه‌ی نهایی این کار نیست. بعد کم‌کم ان‌قلت‌هایی نسبت به این مدل پیش آمد. زمان اصلاحات یک در گام به‌پیش به میمنت افتادن معاونت وزارت علوم به‌دست رییس اسبق انجمن فیزیک - که در زمان ریاست خودش به همراه تعدادی دیگر از فیزیک‌دانان نامه‌ی ما نمی‌توانیم در انرژی هسته‌ای خطاب به رهبر معظم انقلاب نوشته بودند- همه روی تولید مقالات و مشارکت کمی کشور در تولید مقالات بین‌المللی و مشخصاً ISI متمرکز شدند. بعد از آن دانشگاه به سمت تولید مقاله به زبان انگلیسی جهت پاسخ‌گویی به سؤالات از اساس غربی رفت. ولی باز در فضای علمی کشور تغییر جدی ایجاد نشد. چرا؟ چون مشکل جدی وجود داشت، مسئله‌های اصلی کشور جای دیگر بود، صنعت، مدیریت، جامعه! در همه‌ی این شرایط، این آدرس‌های غلط، کارهای علمی دانشجویی را تحت تأثیر قرار داده بود.

#### • کج فهمی کار تخصصی

آدرس غلط دیگر، انجام کار تخصصی است. تشکل‌ها می‌گویند ما باید به دنبال مسائل کشور برویم و کار جدی بکنیم، می‌افتند دنبال حلّ مسائل، گرفتن پروژه و اساساً فضای دانشجویی را ترک می‌کنند، کاری را انجام می‌دهند، که وظیفه‌ی یک فرد بعد از محیط دانشجویی و دوره‌ی فارغ‌التحصیلی است، کار تخصصی! در نتیجه رفتن به دنبال تأسیس پژوهشگاه، تمرکز و تمخّص در چند مسئله‌ی خاص، گرفتن پروژه، رقابت با شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی و ... اولویت پیدا می‌کند. این فضاها موجب می‌شود، افراد از فعالیت‌های عادی تشکیلاتی کنده شوند و به‌ویژه پیدایش جذابیت‌های مالی و شغلی بر طبل این مسئله می‌دمد، که رانت‌هایی که ممکن است برای یک تشکل دانشجویی ایجاد شود، هم طمع این‌گونه کارها را اضافه می‌کند. رهبر معظم انقلاب با علم به این آسیب بارها به ماهیت کار بسیجی به‌ویژه در دیدار با دانشجویان بسیجی تأکید کرده‌اند: «شرط دیگر این است که در مقابل این حرکت و کار، از کسی مزد نخواهد. مزد، مربوط به جایی است که کسی از بیرون به ما انگیزه می‌دهد- این کار را بکن، این پول را بگیر- وقتی ما از درون و عمق جان و از عشقمان انگیزه می‌گیریم، از چه کسی می‌خواهیم مزد بگیریم؟ مزد دادن، تحقیر ماست؛ تحقیر انسانی است که از درون دارد می‌جوشد. این‌ها خصوصیات یک انسان بسیجی است؛ فرهنگ بسیج یعنی این». (بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی ۰۵/۰۳/۱۳۸۴)

هم‌چنین به حفظ ویژگی داوطلبانه بودن در بسیج تأکید کرده‌اند: «جوانان بسیجی؛ پسران و دخترانی که سرمایه‌ی بسیار باارزش جوانی خودشان را به‌طور داوطلبانه به میدان آورده‌اند تا از آن برای خدا، اسلام، پیشرفت کشور و عزت ملت ایران استفاده کنند». (بیانات در دیدار اعضای بسیج و کارکنان اداره کل اطلاعات استان همدان ۱۶/۰۴/۱۳۸۳) از سوی دیگر تأسیس پژوهشگاه به مثابه محل کار به‌عنوان مقوله کار دانشگاهی و نه فعالیت دانشجویی با مسئولیت‌زاترین علوم و بهداشت و نه تشکل دانشجویی از جانب معظم له مطرح شده است «پژوهشگاه دانشجویی

که پیشنهاد شد، به نظر من پیشنهاد خوبی است. خوب است مسئولان وزارت‌های آموزش عالی رسیدگی کنند، بررسی کنند؛ فکر خوبی است. بگذاریم دانشجوها در این مقوله‌ی کار دانشگاهی اگر وقت میکنند، اگر میتوانند، در یک مرکزی به نام پژوهشگاه و پژوهشکده، فعالیتهائی را انجام دهند؛ این ایده‌ی قابل توجهی است و میتواند دنبال شود». (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۴) پس کار مزدمحور و پروژه گرفتن ... کار تشکل دانشجویی و در رأس آن بسیج نیست. افراط در این جا کار به این جا می‌رساند، که در مقابل این طیف، افراط‌گر طیفی تفریطی شکل می‌گیرد، که از اساس با هرگونه نگاه تخصصی به مسائل مخالف است.

#### • آدرس غلطی به نام تولید علم در یک تشکل دانشجویی

بعضی در یک مغالطه‌ی بزرگ و با ندیدن وظایف ویژگی ممتازها به دنبال تولید علم در تشکل دانشجویی هستند. به این معنا که تشکل، خود متولی تولید علم شود، یا صرفاً به تربیت افرادی برای این عرصه بپردازد. درحالی که تولید علم، اساساً یک فرآیند طولانی‌مدت است که افراد در آن به پاسخ‌های جدید برای سؤالات علمی و مسائل کشور می‌رسند و نیازمند بنیه‌ی علمی، تخصص، مطالعه‌ی متون مختلف دستاوردهای بشری، مطالعات دینی، فراهم شدن امکانات از جانب نهادهای سیاست‌گذار و حاکمیتی مربوط به آموزش عالی و.. است که در طول دوران دانشجویی محقق نشدنی است و باید در طول حیات علم فرد که ممکن است حداقل ۱۰-۲۰ سال طول بکشد به ثمراتی برسد. رهبر معظم انقلاب نیز کمک به فرآیند تولید علم و ایجاد نشاط و جرئت علمی را جزو مسائل و وظایف مهم تشکل‌ها دیده‌اند، نه تولید علم که ماهیتی نخبگانی و طولانی‌مدت دارد: «تشکل‌های دانشجویی مواظب باشند هدف‌هایشان را گم نکنند. هدف‌های اصلی تشکل‌های دانشجویی همان چیزهائی است که بر روی طاق بلند جنبش دانشجویی نوشته شده: ضدیت با استکبار، کمک به پیشرفت کشور، کمک به اتحاد ملی، کمک به پیشرفت علم، حضور و شرکت در مبارزه و پیکار همگانی ملت ایران برای غالب آمدن بر توطئه‌ها و بر دشمنی‌ها». (دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۰۹/۲۴) حتی در هنگام برگزاری اولین نشست اندیشه‌های راهبردی به جاده‌سازی برای تولید علم در کشور با این کار و نه تولید علم در قالب آن تأکید کردند، و نیز در سخنانی دیگر به ثمره نشست نهضت تولید علم را یک فرآیند پنجاه ساله اعلام کردند. از سوی دیگر مهم‌ترین بخش فرآیند تولید علم بومی و دینی فهم مسئله است که این فهم نیاز به پیش‌زمینه‌های جدی درگیر شدن با مسائل کشور، نگاه از بالا پیدا کردن به آن، یافتن ضعف‌ها و نقاط حاصل از ندانستن، نتوانستن و نخواستن و ارائه‌ی پاسخ‌های جدید بر این مبنا است، اما در نگاه‌های انتزاعی موجود، اساساً مورد غفلت واقع شده است.

• موازی‌کاری، بخشی‌نگری یا جزو پازل نهادها و مراکز و وظیفه انجام مسئله‌ای را دارند بعضی تشکل‌ها به کارهایی ورود می‌کنند که نهاد مسئولی موظف به انجام آن است. به بهانه عدم انجام وظیفه به‌وسیله نهاد مذکور به دنبال انجام وظیفه آن می‌روند. جایی که باید روند انجام یک مسئله در کشور اصلاح شود، صرفاً با ورود موردی کاری انجام می‌دهند که بخش کوچکی پازل کلی است، که باید انجام شود. یا گاهی به سراغ مسئول یا واحدی می‌روند، مسئول مورد نظر

بدون توجه به مدیریت کلان مسائل بخشی را به تشکل یا مجموعه‌ای می‌سپارد و آن مجموعه هم بی‌توجه به وظایف اصلی خود به دنبال انجام آن می‌رود. مثل امام‌جمعه‌ای که به‌جای مدیریت فرهنگی صحیح در شهر از طریق تشکیل شورای فرهنگ عمومی و درگیر کردن نهادهای مسئول و ظرفیت‌های مردمی و نخبگانی که جزو مطالبات رهبری از دوره ریاست‌جمهوری‌شان بوده است، کار فرهنگی روی جوانان را با شکل دادن صرف یک جلسه گفتگوی صمیمانه با جوانان برای خویشتن محدود می‌کند. یعنی به‌جای این که همه ظرفیت‌ها را فعال کند که روی جوانان کار کنند، خودش کاری انجام می‌دهد که احساس کند تکلیفش را انجام داده است.

- **درگیر کردن همه ظرفیت‌ها در جایی که تکلیف نیست**

در کشور ما با مسائل مختلف و گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف مواجهیم، ظرفیت‌های ما نیز محدود است. عدم توجه به این مشکلات و اولویت‌ها باعث می‌شود، که ناگهان با بخشی‌نگری همه تخم‌مرغ‌ها در یک سبد بدون توجه به اولویت‌ها گذاشته شوند. ظرفیتی که باید در کشور در حوزه‌های مختلف به کار گرفته شود و جهش ایجاد کند، به درگیر چند مسئله محدود شدن تنزل می‌یابد.

### ۳. آسیب‌های عدم انجام وظیفه:

- **بی‌توجهی به تفاوت‌ها**

از این سو آسیب‌های زیادی نیز به این مدل غلط بار شده است. یکی از این آسیب‌ها جدا بودن حوزه‌ی فعالیت‌های اعضای یک تشکل از رشته‌های تحصیلی آن‌ها و تبدیل شدن کارهای دانشجویی به کارهایی روتین است. مثلاً تشکل دانشجویی دانشکده‌ی فنی همان کاری را می‌کند، که تشکل دانشجویی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی می‌کند، بسیج دانشجویی دانشکده‌ی زبان‌های خارجی همان کاری را می‌کند، که دانشجوی دانشکده‌ی اقتصاد می‌کند، بسیج دانشجویی دانشکده‌ی تربیت‌بدنی همان کاری را می‌کند که دانشکده‌ی علوم اجتماعی می‌کند. نتیجتاً کار تشکیلاتی به یک سری کار روتین بی‌ربط به مسائل کشور و جامعه تبدیل می‌شود، افراد از آمدن و درگیر شدن در آن ابا می‌کنند، پس از پایان این فعالیت‌ها هم چیزی برای آن‌ها نمی‌ماند. در نتیجه چون کار جدی هم نمی‌شود، کسی هم جنبش دانشجویی را جدی نمی‌گیرد.

- **آسیب قطعه‌قطعه شدن فعالان دانشجویی**

در نتیجه فعالان دانشجویی مصداق «یؤمنون ببعض و یکفرون ببعض» می‌شوند. بر همین مبنا در مجموعه‌های دانشجویی تعدادی نیروی سیاسی پیدا می‌کنیم، که تنها کارشان پی‌گیری دعوای سیاسی مسئولین و جناح‌ها با یکدیگر است، یک قشر افرادی که فقط به دنبال درس خواندن یا پروژه گرفتن هستند، بخشی هم به دنبال کارهای فرهنگی دور از مسائل کشور و بی‌ربط به حوزه‌های تخصصی‌شان. تشکل دانشجویی هم از نقش‌آفرینی درست در مسائل کشور باز می‌ماند و دچار روزمرگی یا پیاده‌نظامی مجموعه‌های سیاسی و امنیتی و... می‌شود.

• آسیب‌ناامیدی از حوزه‌ی تخصصی و تغییر رشته

از سوی دیگر وقتی آرمان‌گرایی و کارهای انقلابی از حوزه‌ی تخصصی افراد جدا شد، فرد دچار تضاد و دوگانگی شده و نسبت به حوزه‌ی تخصصی خویش احساس بی‌معنایی می‌کند. چرا که آرمان‌گرایی به نوع خاصی از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی منتسب می‌شود و فرد با انگیزه‌های انقلابی و دینی احساس می‌کند که رشته‌ی تحصیلی مانع از زندگی آرمانی اوست و به نیازهای تربیتی، انقلابی و معرفتی او جامعه‌اش پاسخ نمی‌گوید. لذا یا از فضای درس، به کلی فاصله می‌گیرد، یا این که به سراغ رفتن به سمت رشته‌های مرتبط با این دغدغه‌ها یا رشته‌های علوم انسانی و اسلامی و حتی طلبه شدن می‌رود.

• وضعیت نا به سامان‌تر علوم انسانی

وضعیت رشته‌های علوم انسانی از همه نا به سامان‌تر است. چرا که علاوه بر مشکلات ذکر شده، با مشکل ناسازگاری علوم انسانی موجود با اندیشه‌های دینی و اقتضات بومی مواجه می‌شود. علاوه بر ناامید شدن افراد از پی‌گیری جدی رشته‌ی خود به خاطر انحرافات موجود، ترس از انحراف با خواندن علوم انسانی و نیز بی‌نتیجه بودن تحصیل علوم انسانی به لحاظ شغلی در جامعه‌ی ایران امروز، بسیاری از حرکت‌های علمی صرفاً به نفی علوم انسانی موجود، کلاس‌های غرب‌شناسی اکثراً نامنطبق بر نگاه مکتب معیار انقلاب به غرب، کلاس‌های کلی‌گویی‌آشنایی با علم دینی و بحث در باب ضرورت و امکان آن و در نهایت آمار بسیار بالای طلبه شدن دانشجویان علوم انسانی انقلابی یا ترک تحصیل در مقاطع عالی رو به رو می‌شود.

• عدم توانایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای کشور

به فرض عدم تحقق همه‌ی آسیب‌های ذکر شده و ذکر نشده نیز، چنین فردی از پاسخ‌گویی به نیازهای کشور ناتوان است. بسیاری از مسائل در کشور وجود دارد که مشکل‌تئوریک جدی ندارد، حاصل ندانستن‌ها، نتوانستن‌ها و نخواستن‌هاست که باید افرادی که از کلیت نیازهای آن حوزه باخبرند، مسئولان امر را متوجه مسئله کنند، یا با مطالبه و پی‌گیری وی را به انجام آن مجبور کنند، یا در صورت ناتوانی فرد را مجبور به تغییر رویه بنمایند. خود فعالان دانشجویی نیز به دلیل عدم آشنایی با نیازهای کشور، نمی‌توانند مسیرهای تخصصی خویش را در تحصیلات تکمیلی بیابند، پایان‌نامه‌ی مرتبط با این نیازها تعریف کنند، طبعاً به دلیل عدم تخصص و اطلاع از اقتضات عرصه‌ی اجرا در حوزه‌ی معیشتی نیز ویژگی ممتازی ندارند. در بسیاری موارد بعد از یک دوره‌ی فعالیت دانشجویی تنها با احساس خسران مواجه می‌شوند، که دیرگانی که این کارها را نکرده‌اند، از آن‌ها در حوزه‌ی کاری‌شان جلوترند و نسل‌های بعدی را به عدم طی کردن مسیر خود توصیه می‌کند. این افراد اگر با قالب رایج دانشگاهی اساتید انتزاعی بزرگ‌شده بر اساس چارچوب ISI و مقاله‌نویسی نامرتبط با اقتضات کشور رشد کرده باشند هم در بهترین حالت به یک متخصص انتزاعی تبدیل می‌شوند که جز تدریس در دانشگاه و تکرار آموخته‌های نامرتبط با مسائل کشور، هیچ کاری از دست او بر نمی‌آید. به تعبیر رهبر معظم انقلاب (در دیدار نخبگان علمی در ۹۱/۰۷/۱۲): «تلاش خودتان را معطوف به نیازهای کشور کنید. البته در بیانات دوستان

هم هست؛ در دیدارهای دانشجویی و دانشگاهی هم که من ماه رمضان و غیر ماه رمضان گاهی داشتم، این را تکرار میکنند؛ اما باید این تحقق پیدا کند، باید عملی شود. الآن به ما گزارش میدهند که هفتاد درصد مقاله‌های علمی ما ناظر به نیازهای کشور نیست. نمیدانم چقدر این آمار دقیق است، اما به من اینچور گزارش میشود. این همه شما زحمت بکشید، مقاله‌ی علمی تهیه کنید، از این مقالات علمی سی درصد ناظر به نیازهای کشور باشد، هفتاد درصد نه! خب، انسان احساس خسارت میکند. باید صد درصد کار علمی، تلاش علمی، تهیه‌ی مقاله‌ی علمی ناظر باشد به نیازهای شما.» آماده کردن خود برای پاسخ‌گویی به نیازهای کشور در آینده از دل درگیر این اقتضائات بودن می‌گذرد و به درد مملکت خوردن بدون توجه به نیازهای فعلی آن توهمی بیش نیست.

## ◀ فصل سوم :

### چه باید کرد؟

در این جا وقتی می‌خواهیم الگو نسخه‌ی درستی از کار علمی و تخصصی یک تشکل دانشجویی ارائه دهیم، ضرورت دارد هم به ویژگی‌های ممتاز اعضای تشکل دانشجویی و کارویژه‌های آن نگاه کنیم و هم الزاماتی را لحاظ کنیم که فعالان دانشجویی بعد از پایان این دوره بتوانند به‌عنوان نیروهای مؤثر در عرصه‌های تخصصی واقعی به فعالیت خودشان ادامه بدهند، و در هر دو دوره‌ی فعالیت دانشجویی و فارغ‌التحصیلی به‌صورت واقعی به نیازی از نیازهای نظام و جامعه پاسخ‌گویی کنند.

### ۱. ابعاد مختلف زندگی یک فعال دانشجویی

یک فعال دانشجویی علاوه بر مسائل رایج زندگی با چهار بعد محوری و مهم رو به رو است. الف. کار علمی در معنای وظایف درسی و علمی شخصی مربوط به حوزه‌ی تخصصی و رشته‌ی تحصیلی فرد.

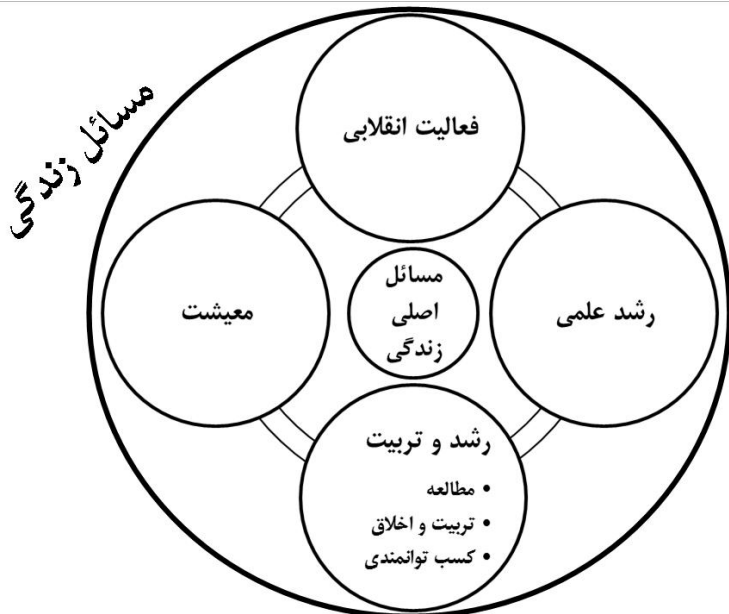
ب. کارهای آموزشی و تربیتی در معنای کارهای مطالعاتی، تربیتی و کسب توانمندی‌ها.

ج. کار انقلابی در معنای خاص فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و تشکیلاتی (نه معنای عام انقلابی که شامل همه‌ی زندگی فرد است و به معنای سبک زندگی جهادی است).

د. کار معیشتی (که در دوره‌ی فعالیت دانشجویی اصولاً برای بسیاری از برادران و تقریباً برای اکثر قریب به اتفاق خواهران مطرح نیست).

هر گونه برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی برای هر بعد از این وظایف، نباید به گونه‌ای باشد که برنامه‌ریزی برای سایر ابعاد را با مشکل مواجه کند، به‌ویژه آن که در رجوع به سخنان امام





## ۲. گره زدن ابعاد مختلف زندگی دانشجویی و مأموریت‌های یک تشکل دانشجویی

بر اساس وظایف مطرح‌شده از جانب رهبران انقلاب اسلامی، باید برنامه‌های یک تشکل دانشجویی حتی‌المقدور به گونه‌ای باشد که فرد بر اساس وقت و شرایط محدود بتواند به گونه‌ای ابعاد مختلف زندگی خود را به هم گره بزند، و بتواند فراتر از موارد کلی در موارد تخصصی‌تر به نقش‌آفرینی و فعالیت‌پذیرد، و بر اساس حوزه‌های تخصصی فعالیت خود، به نیازهایی از کشور و انقلاب پاسخ بگوید. در حقیقت این نگاه متضمن تلفیق وظایف علمی، وظایف انقلابی و حوزه‌ی رشد و آموزش فرد است. علاوه بر نسبت یافتن حوزه‌ی تخصصی درسی با کارهای انقلابی و آموزش پیدا کردن در حین فعالیت‌ها موجب می‌شود فعال دانشجویی هم به پاسخ‌گویی به نیازهای نظام در حوزه‌ی تخصصی خویش بپردازد و از ظرفیت‌های ویژه‌ی محیط دانشجویی برای پیش‌برد انقلاب استفاده کند، هم در انتهای دوره‌ی فعالیت دانشجویی خویش نگاه جدی به نیازهای کشور در حوزه‌ی تخصصی خویش داشته باشد، و بتواند مسیر آینده‌ی علمی خویش را در این راستا برنامه‌ریزی کند، هم داشته‌هایی جدی برای سامان‌دهی مسیر معیشتی زندگی خویش بر اساس نگاه کسب‌شده در دوره‌ی فعالیت‌های دانشجویی داشته باشد.

## ۳. وظایف یک تشکل دانشجویی

یک تشکل دانشجویی یا بسیج دانشجویی، مجموعه‌ای از دانشجویان مسلمان پیش‌رو، داوطلب و آماده‌ی برای حضور در عرصه‌ها و پاسخ به نیازهای انقلاب، جامعه و امت اسلامی و مقابله‌ی

با دشمنان آن‌ها مبتنی بر اخلاص و معنویت، علم و آگاهی ویژه‌ی محیط دانشگاهی، روشن‌بینی و بصیرت و داشتن تحلیل صحیح بدون درخواست مزد و با توان، نشاط و قدرت نوردیدن راه‌های دشوار است. صحبت‌های رهبری و امام را که نگاه کنیم، مجموعه‌ای از پاسخ‌گویی به نیازهای اصلی علمی، سیاسی، فکری، فرهنگی و... از فضای تربیتی تا اصلاح نظام و رفع نیازمندی‌های اساسی انقلاب و نظام را در برمی‌گیرد. حتی تفکر برای تشکیل حکومت بزرگ اسلامی و زمینه‌سازی تمدن اسلامی، آماده‌سازی دانشجویان برای شرکت در پیشرفت مادی و معنوی کشور هم جزو آن‌هاست. یکی از بخش‌های این منظومه‌ی بزرگ هم نقش‌آفرینی در جهاد علمی و نهضت تولید علم و جریان‌سازی و مطالبه‌ی رشد علمی و ایجاد جرئت و زمینه‌سازی ایجاد قدرت علمی در دانشگاه‌هاست.

یعنی نه می‌توان مسئولیت‌های یک تشکل دانشجویی مثلاً بسیج را صرفاً مانند تشکلی مثل انجمن علمی به انجام فعالیت‌هایی مرتبط با حوزه‌ی تخصصی (نقش‌آفرینی تخصصی) فروکاست. نه می‌توان، یک تشکل را صرفاً مسئول رشد فردی اعضای آن دانست. باید در کلان مجموعه، جامعیت فکری و فرهنگی و سیاسی و علمی، عقلانیت-معنویت-آرمانخواهی را حفظ کرد، برنامه‌ریزی‌ها هم به گونه‌ای باشد که در حوزه‌ی فردی، افراد ضمن داشتن زمینه‌ی رشد اخلاقی و فکری، انجام کارهای انقلابی به کارهای علمی خود نیز اهتمام بورزند و حتی این کارها را به هم پیوند بزنند.

وظیفه یک تشکل دانشجویی هم باید واقعی دیده شود. مثلاً زمینه‌سازی ظهور امام زمان (عج) وظیفه هر جوان مسلمان یا وظیفه جمهوری اسلامی است. تربیت نیرو برای جمهوری اسلامی وظیفه کلان نظام آموزش عالی است. وقتی نگاه این شود، و این که تشکل دانشجویی برای امروز نظام و انقلاب هم وظایفی دارد، خیلی متفاوت است از این که وظیفه وزارت علوم و بهداشت و... کل نظام آموزشی ما وظیفه‌اش این است. اثرش کجا دیده می‌شود؟ این که بین این که رویکردیک تشکل تربیت آدم‌ها برای نقش‌آفرینی در سیاست‌گزاری و یا چهره‌ی علمی جدی شدن در یک تشکل دانشجویی باشد، و کم‌تر درگیر پی‌گیری مسائل اکنون نظام و انقلاب باشد، تا این که الان وظیفه فهم و درک مسائل و گفتمان‌سازی و پی‌گیری و حضور فکری و فیزیکی در مسائل در یک تشکل اصل به شمار بیاید.

#### ۴. ویژگی‌های خاص محیط و فعالیت دانشجویی و وظایف مرتبط با مسائل نظام و فضای علمی

##### • آرمان خواهی

مهم‌ترین ویژگی‌های محیط دانشگاه، ارتباط با محیط علم و معرفت از یک سو عدم داشتن تعلقات زندگی به انجام یک شغل معین و... و روحیه‌ی آرمان‌خواهی حاصل از آن است. به تبع عدم داشتن مسئولیت شغلی و اجتماعی معین (به صورت عمومی)، فرد از حرّیتی برخوردار می‌شود، که

می‌تواند آرمان‌خواهانه به سراغ تغییر وضعیت موجود به سمت وضع مطلوب برود. از سویی به تبع اقتضائات این محیط، درگیر اقدام نیست. لذا می‌تواند با درک کلی پیدا کردن از مسائل، به سمت فهم و فضاسازی حول نیازهای اصلی و گفتمان‌سازی برود، و ذهن و عمل هم‌نسلان خویش (دانشجویان)، محیط دانشگاهی (اساتید و...)، رسانه‌ها، مسئولین و مردم را به سمت آرمان‌ها و نیازها و مسائل هر حوزه‌ی تخصصی متوجه کند، مسیر آینده‌ی زندگی خویش را نیز بر اساس این آرمان‌ها و این نیازها تنظیم کند. فرآیندی که از اقدام مستقیم اثرگذارتر است. یعنی فرآیند تبدیل آرمان‌های کلی اسلامی مشخص‌شده به‌وسیله‌ی رهبری دینی و چارچوب‌های پایه‌ی نظام اسلامی مثل قانون اساسی به شاخص‌های حوزه‌های مختلف را فراهم می‌آورد. این کارویژه حتی از اقدام مستقیم یک دانشجو حتی مسئول نیز مؤثرتر است، چرا که فضایی را به وجود می‌آورد، که همه‌ی مسئولین و پژوهشگران و مردم و رسانه‌ها و ... در آن بیندیشند. این اثرگذاری از جانب تشکل‌های دانشجویی به حدی بوده که حتی گفتمان عمومی کشور دو بار در دهه‌ی هفتاد و دهه‌ی هشتاد با اقدامات جنبش دانشجویی به آزادی و عدالت تغییر یافت.

#### • گفتمان‌سازی راه اصلی اثرگذاری جنبش دانشجویی

امام خامنه‌ای نیز بر این مسئله صحه می‌گذارند: «فکر شما و کاری که کردید و راه نوئی که پیدا کردید، پیشنهادی که به نظرتان رسیده، تأثیرگذاری‌اش فقط این نیست که این فوراً به‌دستگاه اجرائی منتقل بشود و فوراً یک ترجمه‌ی عملیاتی بشود و اجرائی و عملیاتی شود؛ نه، این تنها تأثیر نیست. یکی از مهم‌ترین تأثیرات همین فکر کردن‌ها این است که شما فضاسازی می‌کنید، گفتمان‌سازی می‌کنید. در نتیجه، در یک فضای معتقد به یک مبنای فکری یا عملی، رئیس‌جمهور هم همان جور فکر می‌کند، وزیر هم همان جور فکر میکند، مدیرکل هم همان جور فکر می‌کند، کارکنان هم همه همان جور فکر میکنند؛ این خوب است. و شما این کار را انجام می‌دهید. فکر کنید، بگوئید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید؛ آن کرسی‌های آزاداندیشی را که من صد بار - با کم و زیادش - تأکید کردم، راه بیندازید و این‌ها را هی آن‌جا بگوئید؛ این می‌شود یک فضا. وقتی یک فضای گفتمانی به وجود آمد، همه در آن فضا فکر می‌کنند، همه در آن فضا جهت‌گیری پیدا می‌کنند، همه در آن فضا کار می‌کنند؛ این همان چیزی است که شما می‌خواهید. بنابراین اگر چنانچه این کاری که شما مثلاً در فلان نشست‌تان، در فلان مجموعه‌ی دانشجویی‌تان کردید، فکری که کردید، ترجمه‌ی عملیاتی نشد، به‌صورت یک قانون یا به‌صورت یک دستورالعمل اجرائی درنیامد، شما مایوس نشوید؛ نگوئید پس کار ما بی‌فایده بود؛ نخیر. و من به شما عرض بکنم؛ در این پانزده شانزده سال اخیر، همین حرکت علمی‌ای که آغاز شده، همین جور آغاز شده؛ همین جور امروز علم شده یک ارزش؛ چند سال قبل اینجوری نبوده. ما همین طور روزبه‌روز هی پیش رفتیم». (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۱۳۹۰/۰۷/۱۳)

#### • تصمیم‌سازی و نه تصمیم‌گیری

بر این مبنا رهبر انقلاب به ضرورت تصمیم‌سازی و پرهیز از ورود به تصمیم‌گیری و اقدام و ایفای نقش متناسب با ویژگی‌های ممتاز محیط دانشجویی توصیه کرده‌اند: «توانائی تصمیم‌سازی

خیلی خوب است. بگذاریم دانشجو با فکر خود، با زبان باز خود، با تعلق کم خود، با گفتار و عمل خود، تصمیم‌سازی کند. تصمیم‌سازی کنید، گفتمان‌سازی کنید. این، مجری و مسئولین اجرایی را می‌کشد دنبال این تصمیم و تصمیم‌گیری خواهند کرد و عمل خواهد شد». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز- ۱۳۸۷/۲/۱۴)

«گفته شد توانائی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری. اینجا من این مطلب را پرداخت کنم. توانائی تصمیم‌سازی خیلی خوب است. توانائی تصمیم‌گیری یکی از مشکلاتی است که اگر وارد محیط دانشجویی شد، خیلی از هنجارهای مطلوب و درست را به هم خواهد زد؛ این تجربه‌ی ماست. بگذاریم دانشجو با فکر خود، با زبان باز خود، با تعلق کم خود، با گفتار و عمل خود، تصمیم‌سازی کند. تصمیم‌گیری را بگذاریم کسی بکند که بتوان از او سؤال کرد و او مسئول و پاسخگو باشد. بنابراین دنبال این نباشیم که محیط دانشجویی، محیط تصمیم‌گیری برای اقدام باشد؛ این نه به نفع دانشجویست، نه به نفع آن اقدام. دنبال این باشیم که محیط دانشجویی تصمیم‌سازی کند؛ یعنی گفتمان‌سازی کنید. این، مجری و مسئولین اجرایی را می‌کشد دنبال این تصمیم، و تصمیم‌گیری خواهند کرد و عمل خواهد شد». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های کشور- ۳۱/۰۲/۱۳۸۶)

• تلاش برای اصلاح سازوکار نه اقدام و درگیر حل مسئله شدن

باید توجه کرد که قبل از این که یک مسئله یا مشکل یا تصمیم‌گیری خرد در کشور محقق شود، لایه‌های پسینی وجود دارد که باید به سراغ آن‌ها رفت. لایه‌های اصلی که ضرورت گفتمان‌سازی را مطرح می‌کند، لایه‌ی گفتمان در معنای جهت‌گیری‌های کلان در تصمیمات و ساز و تشخیص از مسائل کشور است. این جهت‌گیری‌ها و تشخیص از مسائل است، که تصمیمات را شکل می‌دهد. مدیریت‌های میانی کشور ما در طول سال‌های گذشته ثابت بوده‌اند، تغییر جهت‌گیری‌های کلان به‌ویژه در مدیریت اجرایی کشور این بدنه را به تغییر جهت‌گیری واداشته است. مثلاً بدنه سازمان مدیریت و معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری ثابت بوده‌اند، با تغییر گفتمان کشور به عدالت و استکبارستیزی در دهه شصت، رشد و توسعه منهای عدالت در دهه هفتاد، آزادی و توسعه سیاسی در میانه دهه هفتاد، عدالت اجتماعی و تمرکززدایی در دهه هشتاد، همین جهت‌گیری‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و به تبع آن تصمیمات خرد، اعمال شده است.

بسیاری تصمیمات خرد نیز از سیاست‌گذاری‌ها متأثر است. مثلاً کشور ما با یک سیاست‌گذاری تغییر سازوکار ارتقای اساتید و ضریب یافتن مقالات در دهه هفتاد، در شاخص‌های جهانی تولید علم که به میزان چاپ مقالات در ژورنال‌های بین‌المللی ربط داشت، تغییر یافت. یعنی سیاست‌گذاری و تغییر سازوکارهاست که در حل مسائل کشور جهش ایجاد می‌کند.

سطح سوم نحوه تشخیص از مسائل کشور است، این که موردی مثل تورم، اسلامی کردن دانشگاه، ریشه‌های فقر و بی‌حجابی چگونه فهم می‌شود، در چگونگی رسیدن به برنامه‌ها و تصمیمات درون کشور تأثیر جدی می‌گذارد، و برنامه داشتن برای آن‌ها فرع بر آن است. این جاست که اثرگذاری جنبش دانشجویی در هر سه سطح یک اثرگذاری ویژه می‌شود، تغییر جهت‌گیری‌ها، اصل کردن

تغییر سازوکارها و سیاست‌گذاری‌ها و اصلاح نگرش‌ها و تشخیص‌ها از مسائل.

• **ضرورت مطالبه داشتن و پی‌گیری آرمان‌ها**

از سوی دیگر در این نگاه، مدعا داشتن و مطالبه‌گری لازم، مصداق جدیت و به بار نشستن آرمان‌هاست: «نفس اینکه شما می‌آیید اینجا و این فکر را در فضای کشور و جامعه پرتاب می‌کنید - که منعکس هم خواهد شد- مهم‌ترین مسئله است و مطلبی است که ما به آن احتیاج داریم. ما می‌خواهیم جوان ما احساس کند که باید فکر کند و باید این فکر را مطرح و آن را مطالبه نماید. نمی‌خواهیم کار نمایشی کنیم و نیازی هم به کار نمایشی نداریم؛ اما به این که جوان ما- به خصوص مجموعه‌ی دانشجویی که در سطح کشور بسیار گسترده وسیع است- این احساس را در خودش تقویت کند که در آینده‌ی کشور نقش و مسئولیت دارد و باید تعهدی در این زمینه در خود احساس و برای آن تلاش کند، نیاز داریم.

من همین‌جا یک نکته‌ی اساسی را... مطرح می‌کنم و آن، این است که ما از جوانان عزیزمان- چه دختران و چه پسران- توقع داریم که در مورد مسائل اساسی کشور، جدی باشند و جدی برخورد کنند. پیشنهاد می‌کنم روی این مسئله‌ی «جدی بودن» فکر کنید، بعد خواهید دید خیلی از کارهایی که در گوشه و کنار انجام می‌گیرد، ناشی از جدی نبودن است...همه‌ی این حرکات‌ها برای ماندگاری و عمق‌یابی، پشتوانه می‌خواهد، که آن پشتوانه‌ی مطالبه و خواست، شما هستید. منظور از خواست و مطالبه هم این نیست که انسان مشتش را گره کند و مسئله‌ای را بخواهد؛ نه، بلکه بدانید که این مطالبه و خواسته لازم است و باور کنید که این نیازی قطعی و حیاتی برای کشور و جامعه است. نفس اینکه شما این موضوع را باور کنید، مهم‌ترین مطالبه است و اثر خود را در حرف، کار، تعامل، جبهه‌گیری سیاسی و حرکت دینی و مردمی شما می‌گذارد...وقتی در یک مجموعه باور به وجود آمد، این باور پشتوانه‌ی حرکت ماندگار و پایدار خواهد بود. ما این را می‌خواهیم. من می‌گویم در این قضیه شما باید جدی باشید؛ نباید مسائل کشور و آینده را به بازیچه گرفت». (بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکل‌ها، کانون‌ها، نشریات، هیئت‌های مذهبی و شماری از نخبگان دانشجویی ۱۳۸۲/۰۸/۱۵)

«جوانهای ما، دانشجویان ما در زمینه‌ی مسائل گوناگون - چه مسائل دانشگاهی، چه مسائل سیاسی، چه مسائل اجتماعی - نظراتی دارند، مطالباتی دارند، مدعا دارند؛ این برای من جالب است. من بارها گفته‌ام؛ از آن روزی باید ترسید که جوان ما، دانشجوی ما در دانشگاه انگیزه‌ی طرح مسئله، طرح سؤال، طرح درخواست نداشته باشد. همه‌ی همت ما باید این باشد که این روحیه‌ی مطالبه، خواستن و مدعا داشتن در زمینه‌های گوناگون را در نسل جوان کشورمان - بخصوص جوان علمی - گسترش بدهیم». (دیدار با دانشجویان ۱۷/۷/۸۶)

• **ضرورت حضور فکری و فیزیکی در مسائل کشور**

از سوی دیگر رهبر معظم انقلاب، علاوه بر تأکید به ضرورت تحلیل و موضع داشتن در مسائل کشور («مسائلی که با سرنوشت کشور ارتباط پیدا میکند، حتماً تحلیل و موضع داشته باشید». (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار دانشجویان ۱۳۸۹/۰۵/۳۱))

به ضرورت حضور فکری و فیزیکی در مسائل کشور و استفاده از ابزارهای خاص محیط دانشجویی تأکید کرده‌اند: «حضور فیزیکی و فکری در مسائل عمومی کشور از سوی مجموعه‌ی دانشجویی حتماً لازم است. هم حضور فکری لازم است؛ باهمین رسانه‌های دانشجویی، با اجتماعات دانشجویی، با اظهاراتی که اینجا و امثال اینجا ممکن است بکنید، با ارائه‌ی نظراتتان به دستگاه‌های ذی‌ربط وزارت‌های مربوط هم حضور فیزیکی لازم است؛ گاهی باید در یک اجتماعی شرکت کنید.» (دیدار با دانشجویان ۱۶/۵/۹۱)

«جوان باید مطالبه کند، باید احساس کند که این مطالبه سودمند است، ثمربخش است؛ و تشویق بشود بر این مطالبه و باید احساس کند که او فقط مسئولیتش طرح سؤال و پرتاب کردن یک شعار نیست، که بگوید خوب، ما کار خودمان را کردیم؛ نه، پیگیری کردن، مطالعه کردن، درباره‌ی مسئله اندیشیدن، آن را پخته کردن، راه کار اجرائی را برای آن جستجو کردن، برای طرحش با مراکز دست‌اندرکار و مجری تلاش کردن و فعالیت کردن و بالاخره خود وارد میدان کار شدن، اینها جزء وظایف و تکالیف جوان ماست که این را هم بایستی جوان ما درک کند؛ در کنار آن مطالبه و طلبگاری و مدعا داشتن که عرض کردیم.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان نخبه، برتران کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی فرهنگی دانشگاه‌ها ۱۷/۰۷/۱۳۸۶)

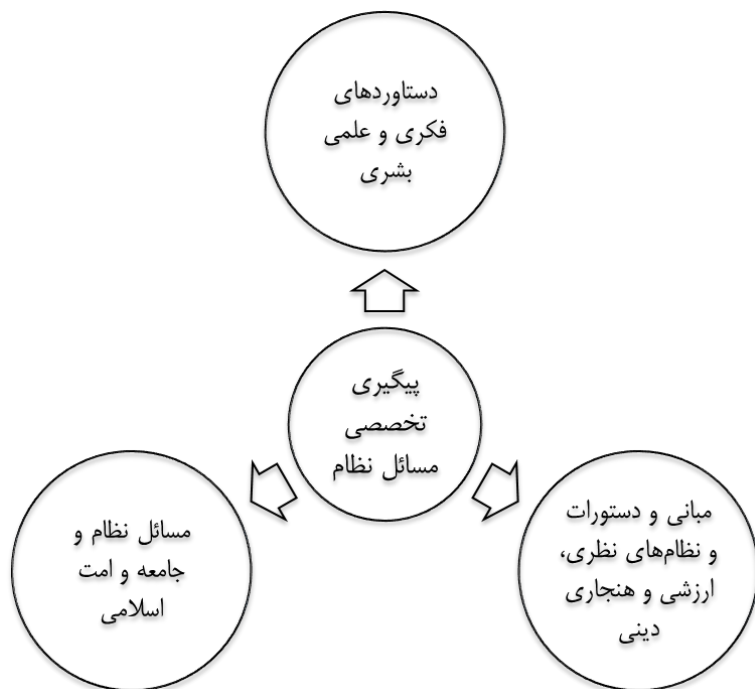
#### • آسیب‌های فقدان گفتمان سازی

گفتمان‌های موجود در جامعه است که جهت‌گیری‌های اصلی حکومت را تعیین می‌کند. بدنه‌های میانی و کارشناسی دولت‌ها در طول تاریخ انقلاب ثابت بوده‌اند. اما با عوض شدن این گفتمان‌ها بوده است که برنامه‌های مختلفی از دل آن‌ها بیرون آمده است. اگر این فضا نباشد، رسانه‌ها، سیاسیون، رسانه‌های بیگانه، روشن‌فکران و... برای جامعه و دولت فضا می‌سازند، یا مسئولین روزمره و بی‌توجه به نیازهای اصلی جلو می‌روند یا گفتمان‌های ارتجاعی جایگزین می‌شود، یا نیازهای کاذب جایگزین نیازهای اصلی شده و خطوط اصلی نظام و مطالبات مردم و رهبری در پیچ و خم دعوای سیاسی گم شده یا ذیل گفتمان‌های دیگر جایابی شوند. مثلاً در فضای منتهی به انتخابات ۹۲ دانشگاه کمترین نقش و گفتمان سازی را داشت. دانشجویان از طیف‌های مختلف و مشخصاً جبهه انقلاب - به جز حلقه‌های معدودی - به جای گفتمان سازی، به صرف موضع‌گیری سیاسی در دفاع و نفی چند کاندیدا پرداختند، گفتمان‌های انتخاباتی از درون دانشگاه نجوشید و دانشگاه پشت سر سیاسیون نه به صورت فضا ساز قرار گرفت.

#### • پی‌گیری تخصصی مسائل نظام

در یک تشکل دانشجویی بسته به اقتضائات محیط دانشگاه و مسئولیت‌های فردی اعضا نه باید به دنبال کار تخصصی بود و نه کارهای بدون ارتباط با مسئولیت‌های تشکل، صف نقش‌آفرینی تخصصی نیز در این چارچوب راهگشا نیست. (صرف انجام حرکتی تخصصی یا رفتن به سراغ یک مشکل خرد با کمیت و کیفیت محدود نیرو زمان، اولویت نیست). اقدام نیز در وظایف یک تشکل دانشجویی نمی‌گنجد. تولید علم نیز اساساً کار یک تشکل دانشجویی نیست. باید ویژگی‌های دانشجو جنبش دانشجویی را دید و این ویژگی‌ها را با ویژگی‌های دوران‌های دیگر زندگی فرد

اشتباه نگرفت: «دانشجو عنصری است که متعلق به همین فضاست. شما هم وقتی که بیرون رفتید، دیگر دانشجو نیستید؛ یکی دیگر جای شما می‌آید و او این خصوصیات را پیدا می‌کند». (بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان دانشگاه تهران ۱۳۷۷/۰۲/۲۲) در این جاست که پی‌گیری تخصصی مسائل نظام به‌عنوان کارویژه و مأموریت یک تشکل دانشجویی در دهه‌ی عدالت و پیشرفت معنا می‌یابد. پی‌گیری، متضمن شناخت مسائل واقعی آن حوزه‌ی تخصصی در صنعت، کشاورزی، اداره‌ی کشور، جامعه و امت اسلامی، اولویت‌گذاری و انتخاب مهم‌ترین مسائل،



پی‌گیری آن‌ها در قالب مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی است. در پی‌گیری تخصصی مسائل نظام، با توجه به اقتضائات محیط دانشجویی لزوماً به دنبال حل مسئله و ارائه‌ی راهکار نباید رفت، بلکه باید به دنبال درک و فهم مسائل و یافتن گلوگاه‌ها و نگرش به مسائل از منظر بیانات و قدر متیقن‌های هر حوزه‌ی تخصصی و استفاده از آموزه‌های کلان دینی و در نهایت ناظر به واقعیات صنعت، جامعه و عرصه‌ی اجرا بود. بسته به حوزه‌های تخصصی، مسائل مورد بررسی، و اهمیت و شکندگی، اولویت‌های دیگر محیط دانشجویی، کارشناسان و هادیان کمک‌کننده و... میزان عمق در مسئله و رسیدن یا نرسیدن به راه حل در آن تفاوت می‌کند. گاهی اوقات بعضی مسائل راه‌های بین‌دانشگاهی دارند که بدون نیاز به کار تخصصی جدی فهم می‌شود، گاهی اما رسیدن به یک نتیجه‌ی عمیق نیازمند یک کار گسترده و عمیق است، که مثلاً چند هفته یا ماه به‌صورت تمام‌وقت از افرادی وقت می‌گیرد، طبیعتاً این کار تشکل دانشجویی نیست.

## ◀ فصل چهارم : گام‌های عملیاتی

خب حالا تصمیم گرفتیم وارد مسائل کشور شویم، چه باید بکنیم؟

### ۱. شناخت کلی پیدا کردن از مسائل حوزه‌ی تخصصی

در گام اول احتیاج داریم که یک نگاه کلی و از بالا نسبت به مسائل اصلی کشور که حتی المقدور با حوزه‌ی تخصصی رشته‌ی ما مربوط‌اند پیدا کنیم. و مسائل با اولویت و مهم را درک کنیم.

این فرایند چندلاپه دارد

الف . درک مسائل اصلی حوزه‌ی تخصصی

ب . درک اولویت‌های نظام و تلاش برای استخراج اولویت‌های آن حوزه‌ی تخصصی

ج . رصد اتفاقات فوری و گذرا در این مورد

د . ایجاد بانک اطلاعاتی نسبت به اساتید، چهره‌های حرف‌دار، فعالان در صنعت و حکومت و جامعه، کانون‌های تفکر، مسئولین مرتبط و....

لزوماً این‌گونه نیست که در یک فرآیند مشخص و با ترتیب منطقی منظم به دنبال مسائل حوزه‌ی تخصصی رفت. اما باید این اطلاع یافتن به نحوی کلید بخورد.

مثلاً می‌توان به سراغ اساتید دانشگاه رفت، و از آنان خواست که در مورد مسائل واقعی و عینی مرتبط با رشته‌ی تخصصی‌شان صحبت کنند، سراغ کانون‌های تفکر، از همه مهم‌تر افراد مسئول در صنعت یا حکومت و جامعه در سطح ملی و منطقه‌ای و بخش دولتی و خصوصی و.... رفت. بعد از رجوع به هر فرد، که می‌تواند در قالب جلسات مشاوره یا جلسات عمومی یا مصاحبه باشد، در انتهای هر جلسه نکات محوری استخراج شود و از مدعو، در مورد اسامی افراد حرف‌دار جدی برای مشاوره سؤال بشود. در جلسه‌ی بعدی سؤالات نکات گفته‌شده‌ی پیشین از فرد بعدی نیز پرسیده شود و نکات اضافه گردد و بعد از چند جلسه در صورت انتخاب افراد خوب، وضعیت کلی مشخص می‌شود و حوزه‌های مشخص‌تری مورد رصد و پی‌گیری قرار گیرد. این اتفاقات ممکن است با بازدید از یک نهاد یا صنعت یا محیط خاص اجتماعی مثل بازار، بیمارستان و مشاهده مستقیم و مشارکت صورت بپذیرد که مؤثرتر نیز هست.

ممکن است این اولویتهای از مسیرهای دیگری هم مشخص شود، مثلاً امام خمینی و امام خاмене‌ای به مسئله‌ی خاصی به‌عنوان اولویتهای در آن حوزه تأکید کرده باشند یا فوریت‌های نظام در



شرایط خاص، موردی را محور کند. مثلاً قانونی در حال تصویب است، یا دولت تصمیمی گرفته یا در صنعت اتفاقی می‌افتد یا در فضای بین‌المللی مسئله‌ای پیش می‌آید یا به هر طریقی یک مسئله مطرح می‌شود و حول آن کار کلید بخورد.

• **طی کردن درست فرایند شناخت مسئله**

باید با برخورد با مسئله تلاش کرد تا ابعاد مختلف موضوع را فهمید، بعد با مشورت‌ها میان ابعاد مختلف موضوع اهم و مهم کرد. مثلاً یک موضوع اقتصادی ممکن است ابعاد مختلفی داشته باشد، که از بین آن ابعاد یکی از آن‌ها اولویت است یا قابلیت پی‌گیری و مطالبه‌گری دارد. ابعاد دیگر آن یا مهم نیست، یا امکان نقش‌آفرینی در آن جدی نیست یا این که به دلیل ظرفیت‌های موجود در مجموعه مثل اساتید و مشاورین، رشته‌های بچه‌ها یا تجارب قبلی و... این حوزه‌های خاص اولویت می‌یابد. گاهی نیز به‌اندازه‌ی کافی در مورد آن موضوع از سوی دیگران کار انجام‌شده، البته گاهی تأیید و تکرار و حمایت از مواضع درست خودش ضرورت دارد، اما گاهی اولویت ورود را به موارد دیگر منتقل می‌نماید.

• **عدم فریب خوردن با مصاحبه‌ها و جلسات مشاوره**

در فهم مسائل به خصوص برای کسانی که تجربه ندارند و با افراد باتجربه ارتباط ندارند یک مشکل جدی می‌تواند این باشد که به حرف‌های نفرات اول (به‌ویژه اساتید انتزاعی که مستقیماً در صنعت حضور ندارند) بسنده کنند و مسئله را سطحی را بفهمند یا ابعاد دیگر را نبینند. این‌جا باید سعی شود، با افراد در طیف‌های مختلف مصاحبه و مشورت یا جلسه برگزار کنند و تلاش کنند تا نظرات منتقدین را هم بشنوند، البته میزان عمیق شدن در مسئله باید حد دانشجویی باشد، و قرار نیست تشکل دانشجویی متخصص حل یک مسئله شود.

• **اولویت‌گذاری**

اولویت‌گذاری و اصلی - فرعی کردن مسائل، موضوعی بسیار مهم است، پی‌گیری خیلی مسئله‌ها خوب است، اما اولویت نیست. باید از طریق نگاه کردن به ریشه‌ها و گلوگاه‌ها، مشاهده‌ی برنامه‌های دشمن و شدت عکس‌العمل‌ها و حساسیت‌های او، تکالیف همی که قوام جامعه به آن است یا در سرنوشت کشور و جامعه و امت تأثیر جدی دارد، انگشت اشاره‌ی رهبری، سیاست‌های کلی نظام، اولویت‌های لحظه‌ی انقلاب مثل شرایط تحریم و اقتصاد مقاومتی، انتخابات، حمایت از تولید ملی، میزان کلان بودن مسئله و... به اولویت‌شناسی دست یافت. رفتن و حل کردن یک مشکل کوچک یا پی‌گیری آن در منطقه یا حتی کشور کار خوبی است، اما باید به سراغ اولویت‌ها رفت. اساساً وقتی می‌گوییم مسائل نظام یعنی اولویت‌های نظام باید خودش را در اولویت‌های انتخابی دانشجویان نشان دهد. در شرایط کنونی که اقتصاد مقاومتی و زمینه‌سازی پیشرفت و عدالت هست همه‌ی اولویت‌ها باید به نحوی با این حوزه نسبت بیابند. یکی از مؤثرترین فرصت‌ها و اولویت‌های مطالبه انتخابات است که اکثراً در مورد آن به مسائل بی‌اولویت پرداخته می‌شود. اما می‌توان با طرح سؤال‌های جدی و تخصصی و منطقه‌ای و سنجش برنامه‌های کاندیداها با گفتمان کلی و سیاست‌های نظام در حوزه‌های تخصصی نقش‌آفرینی مؤثر داشت، و اهمیت نقش‌آفرینی

در آن با حوزه‌های دیگر تفاوت بسیار دارد.

نکته‌ی مهم در اولویت‌گذاری این است که کاری را باید دست گرفت که توان اثرگذاری دانشجویی در آن احساس شود. وگرنه دست گذاشتن روی مواردی که نمی‌توان کاری برای اصلاح آن از جانب جنبش دانشجویی کرد، یا صرفاً می‌توان تحلیل بی‌نتیجه‌ی عینی از مشکلات آن ارائه داد یا مسئله به نحوی زیرساختی است که اصلاح آن به هزینه و اقدامات فرار از توانی نیاز دارد که گفتمان‌سازی و مطالبه‌ی جنبش دانشجویی توان ایجاد فضا و حرکت مؤثر در آن را ندارد، یا رسیدن به راه حل در آن نیاز به صرف زمان و هزینه و افتادن از دیگر وظایف دانشجویی یا جنبش دانشجویی را به دنبال دارد اولویت نبوده یا حداقل اولویت اول نیست. البته در اولویت‌گذاری در این موارد باید حتی المقدور با افراد باتجربه مشورت کرد.

#### • مسائل ملی یا منطقه‌ای

یک مسئله‌ی مهم در اولویت‌سنجی، انتخاب بین مسائل ملی و منطقه‌ای است، گرچه داشتن نگاه ملی و فراملی برای افراد ضروری است و نباید بخشی و جزئی به مسائل نگریست، اما باید به ویژگی ممتازها و کمیت و کیفیت افراد درگیر مسئله نیز توجه شود. مثلاً مسائل صنعت یا استانداری یا ارشاد یا شهرداری یک شهر برای تشکل دانشجویی دانشگاه آن شهر اولویت است و اگر او آن را پی‌گیری نکند مثلاً از یک تشکل دانشجویی در گوشه‌ی دیگر کشور یا تهران نمی‌توان انتظار داشت که به آن قضیه بپردازد، (گرچه گاهی ممکن است اهمیت یا فوریت مسئله این الزام را فراهم کند مثل اتفاقی که در مسئله‌ی از بین رفتن پیاز جیرفت و بی‌توجهی به خرید تولید کشاورزان سال ۹۰ اتفاق افتاد و تشکل‌های محلی سکوت کردند اما بعضی تشکل‌ها و اتحادیه‌ها در تهران وارد مسئله شدند و در رسانه‌ها موج‌سازی‌هایی کردند). ولی این به معنی بی‌توجهی به مسائل ملی در مناطق نیست. مثلاً اگر اقتصاد مقاومتی در نظام سلامت اولویت مسئله‌ی مدیریت واردات دارو را مطرح می‌کند تشکل‌ها در شهرستان‌ها نیز نباید نسبت به مطالبه‌ی این مهم کوتاهی کنند. از منظری دیگر هم علاوه بر توجه به مشکلات منطقه‌ای باید به وجه ایجابی و اولویت‌های مهم توسعه منطقه‌ای در آن منطقه هم نگریست.

## ۲. پی‌گیری مسئله

پس از فهم مسئله باید به سراغ پی‌گیری مسئله رفت.

#### • مخاطب شناسی پی‌گیری تخصصی مسائل نظام

این پی‌گیری بسته به مخاطب‌های مختلف جریان دانشجویی در عرصه‌های مختلفی باید صورت بپذیرد.

الف . دانشجویان

ب . اساتید

ج . نخبگان

د . مسئولین

ه . رسانه‌ها

و . مردم

ز . افکار عمومی بین‌المللی و قدرت‌های جهانی

بسته به مورد باید سنجید و مخاطب‌های مورد نظر را مخاطب قرار داد وارد صحنه کرد. مثلاً برای توجیه دانشجویان یا مورد خطاب قرار دادن آنان از ابزارهایی مثل کرسی آزاداندیشی، چاپ نشریه، فعال کردن برد، صدور بیانیه، برگزار جلسه‌ی هم‌اندیشی و سخنرانی، ارسال میل، پخش مستند و... می‌توان استفاده کرد.

برای به صحنه آوردن اساتید، بیانیه و نشریه را در باکس یا اتاق آن‌ها انداخت، آنان را به جلسه‌ی هم‌اندیشی دعوت کرد، با آن‌ها مصاحبه گرفت و....

برای توجیه مسئولان از ارسال نامه‌ی محرمانه و سرگشاده، درخواست جلسه با آن‌ها، تولید گزارش‌های تحلیلی شامل بعضی ابعاد مسئله، اولویت، اهمیت و بعضی ابعاد آن و.... (مطابق با سطح دانشجویی نه به‌اندازه‌ی یک کانون تفکر یا پژوهشکده)، دعوت به دانشگاه و در صورت نتیجه ندادن، بیانیه دادن، برگزاری تجمع و تحصن، توجیه مسئولین مثلاً امام‌جمعه و... در استان و کشور، رایزنی با رسانه‌های ملی و منطقه‌ای و ... بهره گرفت. رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر از ارشاد جاهل تا نهی منکر خصوصی، تا اعلام عمومی تا بیانیه و دادن و تحصن و تجمع و.... در مورد مسئولین مسئله‌ای مهم است، گره بسیاری اوقات به دلیل فوریت یا در دسترس نبودن مسئولین، گوش ندادن آن‌ها ناچار باید موضع‌گیری علنی کرد. البته این جا هم باید توجه کرد که باید زنجیره اقدامات گذشته تا امروز را باهم دید. یعنی وقتی مسئله‌ای طرح شده، در دوره‌های گذشته، در موردش کاری انجام شده به‌جای شروع از صفر باید به‌صورت امدادی کار را از آن جا ادامه داد، مثلاً وقتی در مورد تحریم کالاهای صهیونیستی یا در مورد خصوصی‌سازی آموزش و پرورش کارهایی در گذشته شده این بار باید بر شانه آن کارها سوار شد و مراحل بعدی را پی گرفت.

برای رسانه‌ها علاوه بر ارسال گزارش حرکت‌ها یا دعوت آن‌ها به برنامه یا ارسال موضع‌گیری‌ها و نامه‌ها به آن‌ها از طریق میل و فاکس (فاکس بعضی این خبرگزاری‌ها روی اینترنت موجود است) و به طریق اولی ارتباط با رسانه‌های استانی یا رسانه‌های تخصصی موضوع مورد نظر (خدمات پس از فروش و بازتولید برنامه در قالب رسانه‌ای کردن آن و یا بازتولید آن در رسانه‌های دانشجویی مثل برد وبلاگ و نشریه و میل و.... بعضاً به‌اندازه و حتی بیش از خود برنامه و یا موضع‌گیری و کار ارزش دارد) می‌توان با نامه زدن یا تشکیل جلسه با گردانندگان یا دبیر سرویس یا خبرنگار مربوطه آن‌ها را نسبت به اهمیت موضوع توجیه کرد، سوژه را برای آنان تشریح کرد یا مثلاً لیستی از کارشناسان را در اختیار آن‌ها قرار داد. حتی می‌توان به سمت ایجاد رسانه در قالب وبلاگ و یا سایت و.... برای پی‌گیری این مسائل رفت. (نمونه: سایت علوم اجتماعی اسلامی ایرانی [ejtemae.ir](http://ejtemae.ir))، سایت علوم تربیتی (رب) [tabonline.ir](http://tabonline.ir))، سایت عیار ([ayaronline.ir](http://ayaronline.ir)) ( البته بسیاری موارد فعال کردن ظرفیت‌های موجود به کارهای تأسیسی کوچکی که دیده

هم نمی‌شود، اولویت دارند.

برای توجیه مردم از قالب رسانه‌ها، ابزارهای ارتباط‌گیری مستقیم مثل سخنرانی در مساجد، توزیع محتوا در هیئات و نماز جمعه، صحبت کردن با تشکل‌های مردمی مثل اصناف و بسیج مساجد و انجمن‌های اسلامی و هیئات و... می‌توان بهره برد. یا کارهای رسانه‌ای جذابی که توجه مردم را جلب کند، طراحی کرد. مواقعی وجود دارد که مجبور کردن مسئولین به تحقق یک مسئله احتیاج به فعال کردن افکار عمومی و رسانه‌ها و فشار مردم روی مسئولین دارد.

همین‌طور در مورد مسائل بین‌المللی می‌توان از انجام کارهای رسانه‌ای، نامه‌نگاری به تشکل‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و... با ترجمه به زبان خودشان استفاده کرد.

قطعاً ارتباط با فضای هنری می‌تواند در انتخاب قالب‌ها تغییرات جدی ایجاد کند. اضافه شدن قالب ساخت مستند به کارهای دانشجویی نیز می‌تواند به‌عنوان یک محور جدی مورد توجه قرار بگیرد. در فضای دانشگاه و جامعه بارها مستندها برای اثرگذاری بر مسئولین و مردم نقش‌های موثری داشته‌اند. مثل مستند عنبرآباد یا رابطه نمایندگان مجلس هفتم با یکی از مفسدین اقتصادی که در ابتدای دهه هشتاد در فضای دانشجویی تولید شد، یا مستند استعمار دلار و شبنم که در کانون‌های تفکر در سال ۹۰ و ۹۱ برای مسئولین تولید شد، مستند منطقه ۱۹ در سال ۹۰ یا مستند فقر و فحشا در فضای عمومی در سال ۸۳.

فعال کردن رسانه‌ها و کار رسانه‌ای به خصوص رسانه ملی در سطح ملی و منطقه‌ای خیلی اوقات از انجام خیلی حرکت‌های دیگر موثرتر است، مثلاً وارد صحبت شدن با مسئولین رسانه‌ها، یا خبرنگارها و تهیه‌کننده‌های خوش‌ذوق، انقلابی یا سلیم‌النفس برای پرداختن به موضوع مورد نظر، و کمک کردن به آن‌ها مثل ارائه پیشنهاد موضوع و کارشناس و فرد مطلع و... می‌تواند مؤثر باشد. گاهی هم برای فعال کردن رسانه باید از ابزارهای دیگر برای مطالبه و گفتمان سازی جهت متوجه کردن رسانه‌ها استفاده کرد.

### ۳. بعضی نکات مهم در فرآیند پی‌گیری تخصصی مسائل نظام

#### • مسئله‌ی نیرو

نباید برای شروع لنگ نیرو ماند. بخشی از فرآیند می‌تواند با اعلام عمومی مثلاً تصمیم واحد علمی بسیج دانشگاه به تشکیل حلقه روی این مسئله صورت بگیرد. یا نه بدون این فرآیند جلسات عمومی که برگزار می‌شود در حاشیه‌اش افرادی که منظم شرکت می‌کنند را دعوت به همکاری کرد. گاهی هم بعضی مسائل را حتی یک نفر می‌تواند کلید بزند و کار را شروع کند و در فرآیند بعداً افرادی دیگر را دخیل کند یا ممکن است تا آخر خودش بماند. مهم شروع کردن مسئله است. حتماً نباید ابتدا چند نفر دانشجو پیدا نمود بعد به دنبال یک موضوع گشت، بلکه رابطه می‌تواند برعکس نیز باشد و در بسیاری موارد این رابطه‌ی عکس مؤثرتر است. یکی از راهکارها ایجاد ستاد با موضوع مورد نظر و فضا سازی روی آن است، ممکن است پی‌گیری موضوع مورد نظر حتی از یک نفر تشکیل شده باشد، اما تشکیل ستاد خود یکی از راهکارهای اهمیت دادن به موضوع

است که در رسانه‌ها تحت عنوان آن بیانیه منتشر شود، نامه‌نگاری شود، یا جلساتی برگزار شود.

#### • محوریت یافتن اقدام جمعی و تشکلی و قرارگاهی

نکته‌ی مهم دیگر جزیره‌ای عمل نکردن و اقدام جمعی و تشکلی و قرارگاهی است. هسته‌ها و مجموعه‌ها باید به سمت جبهه‌ای عمل کردن، محصور نشدن در رهنمود دادن صرف و عمل به مثابه‌ی کانون فکر و اقدام باشند: «یک مجموعه‌ی فکری درست کنید - همان اتاق فکر در مراکز - اینها بنشینند فکر کنند، فکرهای عالی بکنند. از افراد مطمئن، خاطرجمع و خوش فکر استفاده کنید. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۰۲/۳۱)» «من گمان می‌کنم اگر مجموعه‌های دانشجویی، کانون یا کانون‌های تصمیم و اقدام داشته باشند برای این که در مسائل گوناگون فکر کنند و تصمیم بگیرند، اقدام‌های آنها سنجیده‌تر خواهد بود.» (دیدار با دانشجویان ۱۶/۵/۹۱) باید تلاش کرد تا بدنه‌های دیگر تشکل و سایر تشکل‌ها را نیز به کار پیوند زد. البته نباید کار متوقف به چنین مواردی باشد و باید با پرهیز از افزودن به آفتابه‌لگن‌هایی که به شام و نهار منتهی نمی‌شوند، اصل کار را جلو برد و ضمن آن دیگران را بدون ضربه خوردن به کار به مشارکت دعوت کرد. احساس مسئولیت نسبت به پروژه‌های دیگر فعالان پی‌گیری تخصصی مسائل نظام هم عنصر مهمی است که باید با جبهه‌ای عمل کردن، کمک به اطلاع‌رسانی، شرکت در برنامه‌ها مثل همایش و تجمع، موضع‌گیری حمایتی از اقدامات مورد اطمینان آن‌ها صورت پذیرد (مثلاً تشکل‌هایی شهرهای مختلف در مورد آن مسئله بیانیه بدهند و.... این مدل به‌ویژه برای اثرگذاری بر مسئولین شهرستان‌ها بسیار مؤثر است). و در مواردی که ظن و گمان صرف هست، و قطعیت نیست، با رعایت ملاحظات بیشتر عمل شود، البته این کار نباید به محافظه‌کاری بینجامد. «اگر هم در جایی برای انسان مطلب روشن نیست، آنجا نباید حرکت کند. اگر دیدید زیر پا محکم است، پا بگذارید؛ اگر دیدید مشکوک است، پا نگذارید. بنابراین محافظه‌کار نباشید، اما هوشیار باشید.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور ۱۳۸۶/۰۲/۳۱)

#### • کار محوری نه تشکیلات محوری

هر بار که قرار می‌شود حرکتی در حوزه‌ی محقق کردن جدی پی‌گیری تخصصی مسائل نظام و مواردی از این دست انجام شود، سریع تحت عنوان ضرورت تشکیلاتی شدن چارت کشیده می‌شود، نیرو جمع می‌شود، بنای شکل‌گیری واحد دانشگاهی و دانشکده‌ای و گروهی می‌شود و در نهایت، مصادق ما وقع لم یقصد و ما یقصد لم یقع (آنچه محقق شد هدف نبود و آنچه هدف بود محقق نشد)، می‌شود. بسیاری از دغدغه‌های محقق نشده یا کاملاً محقق نشده‌ی رهبری مثل نهضت آزاداندیشی و کرسی‌ها هم از این موضوع رنج می‌برند. هنوز نهضت محقق نشده همه به دنبال نهاد کردن آن هستند و در نهایت نهضت زیر چرخ‌های بروکراسی‌ها و دبیرخانه‌ها و شوراها و شبکه‌ها و قرارگاه‌ها از بین می‌رود. به‌ویژه بعد از فتنه ۸۸ تب تشکیلی شبکه، قرارگاه، کارهای تکنیکی در عرصه‌ی هنر در نیروهای حزب‌الله بالا رفته است، قبلاً کسی نبود سوت بزند افراد را به خط کند، الآن همه در حال سوت زدن هستند، کسی نیست به خط شود. بردارهای بزرگ اما بدون

جهتی شکل گرفته است، چه بسا می‌شد بردارهایی با جهت درست ولو با اندازه‌ی کوچک، کار را به سر انجام برساند. طبیعتاً هر کاری برای ماندگار شدن احتیاج به نهاد شدن دارد، اما این نهادی شدن باید ذیل تحقق مسئله و نهضت و کار شکل بگیرد. ما باید مسئله و کار را وسط بگذاریم ولو با یک یا چند نفر محدود یا یک مسئله برای یک دانشگاه کلید بخورد و بعد حول مسائل و کارها اقدام به نهادسازی کنیم و تلاش کنیم نهادها تخصصی شکل بگیرد. نه این که سرگرم زیرساخت‌سازی‌ای شویم که بنایی بنا نیست، روی آن شکل بگیرد. (بررسی مجموعه‌های مختلف شکل گرفته در کشور برای اصلاح علوم انسانی، وحدت حوزه و دانشگاه، بنا نهادن تمدن اسلامی و... شکل گرفته و در آغاز ساختمان و چارت و نیروی انسانی و... به جای رفتن سراغ خود مسئله در آن‌ها محور شده اهمیت عدم گرفتار شدن در این چارچوب را متذکر می‌شود).

نکته‌ی مهم دیگر در این جا این است که در انتخاب نیروها باید توجه کرد که باید تلاش کرد با افرادی که همراه‌تر هستند کار را کلید زد و به خاطر کسانی که در شروع کار اختلاف نظر دارند و توجیه کردن آنها توان کار مؤثر را می‌گیرد کار نباید متوقف بماند. البته در فرآیند جلو رفتن کار می‌توان این افراد را همراه کرد. بسیاری اوقات در ابتدا باید آنها را کنار گذاشت و با افرادی که نظرات نزدیک‌تر دارند کار را جلو برد. البته این نباید به از بین رفتن هویت جمعی و تبدیل کارها به مسائل فردی و بی‌نظمی در تشکیلات بینجامد، و باید کار با تعامل و استفاده از ظرفیت حدّ اکثری و به صورت تشکیلاتی جلو برود، اما این تشکیلاتی کردن نباید نسبت به کار اصالت بیاید. تشکیلات بدون ارتباط با مسائل واقعی و عملیات و ارتباط با مردم و بدنه عمومی دانشجویان ممکن است پرمطراق هم باشد اما طبل توخالی که در لحظه حساس خالی بودن خود را نمایش می‌دهد، که یک نمونه از تشکیلات و قرارگاه‌ها و جبهه‌ها و شبکه‌های پوک و توخالی در انتخابات ۹۲ خود را نشان داد.

#### • مسئله محوری نه رشته محوری

مسئله‌ی مهم دیگر مسئله محوری است. هسته‌های علمی باید حتی‌المقدور حول موضوعات علمی شکل بگیرد. بسیاری از مسائل این گونه است که اساساً ماهیت بین رشته‌ای دارد، یا این که افراد رشته‌ی مربوطه خودشان پی‌گیری جدی نمی‌کنند، مثلاً اولین حرکت‌های مربوط به نظام سلامت از جانب دانشجویان فنی کلید خورد. یا این که مثلاً نقد صدا و سیما، آموزش عالی و... از منظرهای رشته‌های مختلف باید صورت بپذیرد. گرچه اولویت این است که دانشجویان به سراغ رشته‌ی تحصیلی خودشان بروند، ولی تجربه این است که این فرایند قالب صوری و بروکراتیک می‌یابد. البته درازمدت باید به سمت آن رفت ولی برای شروع کار کلید زدن کار از مسائل، فرایند را تسهیل می‌کند. یعنی باید از هر پی‌گیری تخصصی مسائل نظام از هر رشته‌ای که باشد استقبال کنیم، و نباید مثلاً قانون به گونه‌ای باشد که معاونت علمی تشکل فلان دانشکده اجازه‌ی ورود به مسائل دانشکده‌ی دیگر را نداشته باشد. هسته‌های علمی حول موضوعات و مسائل نه صرفاً رشته‌ها باید شکل بگیرد.

البته باید توجه کرد که باید توازنی هم بین این دو مورد پیش بیاید. به ویژه در تشکل‌هایی که

دفتر دانشکده‌ای دارند، این مسئله نمود پیدا می‌کند، یعنی این که اگر کار بخواهد، بماند و فراموش شود، چاره‌ای جز درگیر کردن بچه‌ها به تفکیک رشته نیست، که در دانشکده‌ها اتفاق می‌افتد. از سوی دیگر رأس در هسته‌ی مرکزی می‌تواند به دادن نگاه از بالا مسئله‌یابی و توزیع مسئله و درگیر کردن دانشکده‌ها با مسائل مختلف اقدام کند. این رصد در مرکزیت نباید موجب شود، بین بدنه و رأس فاصله بیفتد، یا یک عده در رأس داشته باشیم که صرفاً کارشان یافتن مسئله باشد و بعد دانشکده‌های مان تبدیل به پیچ و مهره‌هایی بشوند که در یک کل بزرگ‌تر جای خودشان را در نسبت با بقیه پیدا نکنند. مثلاً در رأس کل بچه‌های درگیر و علاقه‌مند این مسئله را برای‌شان جلسات و برنامه مسئله‌شناسی می‌گذارند، در دانشکده ولی بچه‌ها مسائل تخصصی هر رشته خود را در صنعت و اداره جامعه و فرهنگ عمومی و... جستجو می‌کنند. حالا ممکن است در نهایت مواردی را برای گفتمان‌سازی و مطالبه‌گری انتخاب کنند، که لزوماً کارویژه رشته‌شان نباشد، اما از مسئله‌شناسی و فهم پیدا کردن به مسائل رشته استتکاف نمی‌کنند.

#### • معضل دانشجویان تحصیلات تکمیلی

بخش عمده‌ای از آدرس‌های غلط در پاسخ‌های نادرست به این سؤال شکل می‌گیرد. دانشجویان تحصیلات تکمیلی اصولاً در فعالیت‌های دانشجویی حضور ندارند و حضور آن‌ها در تحصیلات تکمیلی و تشکیل خانواده و... نقش‌آفرینی‌های متفاوتی را علی‌الاصول برای آن‌ها ایجاد می‌کند. نقش این دانشجویان در اکثر موارد در تشکل می‌تواند هدایت و جهت‌دهی به هسته‌های فعال باشد. البته در مواردی استثنائی این افراد هنوز آماده‌ی وقت‌گذاری هستند. اما در بسیاری موارد با توجه به تغییر شرایط، این افراد به دنبال موارد دیگری مثل رشد علمی، تخصص پیدا کردن، ممخض شدن در رشته‌ی تحصیلی، دغدغه‌های معیشتی و... هستند. به علت عدم پاسخ‌گویی درست به این موارد، بعضاً به دنبال پاسخ دادن به این موارد در تشکل، از طریق زدن پژوهشکده، گرفتن پروژه و... هستند، که کار تشکل و نقش‌آفرینی درست آن را مختل می‌کند. باید در تشکل، استفاده از آن‌ها به‌عنوان مشاور محور قرار بگیرد و از سوی دیگر این افراد به پیوستن به کانون‌های تفکر، پژوهشکده‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و خصوصی و... هدایت شوند، و از ایجاد آسیب به دلیل کج‌کارکردی و تعریف غلط از محیط دانشجویی جلوگیری شود. البته اگر در دانشگاهی فضای رشد بچه‌ها جوری است که در دوره‌ی تحصیلات تکمیلی حاضر به فعالیت هستند، هم باز همان مدل پی‌گیری تخصصی مسائل نظام نه گرفتن پروژه و زدن پژوهشکده و تولید گزارش‌های تحلیلی مفصل باید محور قرار گیرد.

#### • توجه به نسبت کار علمی فردی با پی‌گیری تخصصی مسائل نظام

باید توجه کرد که فعالیت تشکیلاتی و پی‌گیری تشکیلاتی مسائل نظام نباید بهانه‌ی ترک وظایف فردی شود، افراد همان‌گونه که تکلیف دارند در قالب تشکیلاتی با توجه به ابزارها و ویژگی‌های خاص دوره‌ی دانشجویی حرکت‌هایی را سامان دهند، باید فضای علمی فردی خود را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که درازمدت، حداقل در یک حوزه به‌صورت متخصص آمده و به حل مسائل نظام در آن حوزه بپردازند. طبیعتاً داشته‌های فعالیت‌های دانشجویی در مسیر شناخت اولویت‌ها

و آشنایی با کارشناسان و حوزه‌ی تخصصی و... هم فرد را در این زمینه در مشخص کردن جهت‌گیری‌ها در پایان‌نامه و آینده‌ی شغلی رهنمون می‌کند. برنامه‌ریزی برای این بخش فردی، اما به عهده‌ی تشکیل نیست. ممکن است فعالان دانشجویی به‌صورت جمعی برای آینده‌ی خویش تصمیم بگیرند یا باهم همراه شوند، اما نباید این مسئله مزاحمتی برای تشکیل دانشجویی ایجاد کند.

#### • تحلیل پیدا کردن از مسئله و عدم اکتفا به پیش‌نهاد بیرونی

کنترل ورودی‌ها و صرف بلندگوی مجموعه‌ها و اساتید و متخصصین نشدن، یک مسئله‌ی مهم است. باید درک ولو اجمالی و فهم کلی نسبت به مسئله داشت. مکن است این کار، مسیر را کند کند یا از کیفیت مسئله بکاهد یا در بعضی مواقع حتی فرصت‌هایی از دست برود، اما رشد ساندویچی و پی‌گیری مسئله‌ای که فهمی از آن موجود نیست، به صرف این که به گفته‌ی فلان استاد یا کانون تفکر یا ... مسئله‌ی درستی نیست. به همان میزان گمراه‌کننده و خطرناک است که تحلیل مسائل سیاسی بر اساس کدهای پشت پرده. امام خامنه‌ای هم با صخه گذاشتن بر این مسئله در دیدار با یکی از مجموعه‌های تبیینی نظام، به ضرورت تربیت مستقل نسل جوان به گونه‌ای که هر یک بدون رسیدن اشاره‌ای بتوانند به تحلیل برسند تأکید کرده‌اند: «من می‌گویم باید کاری بکنیم که هر جوانی بتواند با اندکی تأمل، خودش استنتاج کند که چه کار باید بکند. این حالت انتظار که ببینیم چه اشاره ای می‌شود، حالت خوبی است اما خطرناک است، به خاطر این که قابل تداوم نیست. همین‌طور باید نشست و منتظر بود تا آن کاری که با اشاره فهمیده می‌شود، صادر شود؟ کارهایی هست که با اشاره فهمیده نمی‌شود. شما به‌عنوان بخشی از مجموعه‌ای که کار تبیینی می‌کند، باید کاری کنید که هر کسی بتواند به راحتی تکلیف خود را تشخیص دهد. این کاری طولانی‌مدت و دشوار است، اما لازم است ما به این احتیاج داریم». ایشان به ضرورت تحلیل مستقل ولو همراه با اشتباهات، تأکید کردند: «بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما شما دانشجویان؛ چه دختر، چه پسر و حتی دانش‌آموزان مدارس روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف واقع باشد؛ باشد! خدا لعنت کند آن دست‌هایی را که تلاش کرده‌اند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی کنند. کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند، مسائل سیاسی دنیا را نمی‌فهمند، جریان‌های سیاسی دنیا را نمی‌فهمند و تحلیل درست ندارند. مگر چنین کشوری می‌تواند بر دوش مردم، حکومت و حرکت و مبارزه و جهاد کند؟! بله؛ اگر حکومت استبدادی باشد، می‌شود. حکومت‌های مستبد دنیا، صرفه‌شان به این است که مردم سیاسی نباشند؛ مردم درک و تحلیل و شعور سیاسی نداشته باشند. اما حکومتی که می‌خواهد به‌دست مردم کارهای بزرگ را انجام دهد؛ نظام را می‌خواهد با قدرت بی‌پایان مردم به سر منزل مقصود برساند و مردم را همه‌چیز نظام می‌داند، مگر مردمش به خصوص جوانان، و بالاخص جوانان دانشجویی می‌توانند غیر سیاسی باشند؟! مگر می‌شود؟!... بنده در قضایای تاریخ اسلام این مطلب را مکرراً گفته‌ام که، چیزی که امام حسن مجتبی علیه‌السلام را شکست داد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود.



مردم، تحلیل سیاسی نداشتند. چیزی که فتنه‌ی خوارج را به وجود آورد و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را آن طور زیر فشار قرار داد و قدرت‌مندترین آدم تاریخ را آن گونه مظلوم کرد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود و الا همه‌ی مردم که بی‌دین نبودند. تحلیل سیاسی نداشتند. یک شایعه دشمن می‌انداخت؛ فوراً این شایعه همه جا پخش می‌شد و همه آن را قبول می‌کردند! چرا باید این طور باشد؟! اگر ملت، هوشیاری لازم را داشته باشد، شایعه‌ی دشمن مثل برف و یخی زیر آفتاب است. چه کسی باید این کار را بکند؟ شما جوانان باید بکنید. بنده با شما جوانان عزیزمان، حجت خدا را تمام می‌کنم. من به شما عرض کردم و گفتم». (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت «روز ملی مبارزه با استکبار» ۱۳۷۲/۰۸/۱۲) تخطی از این مورد ورود به مسائلی که هیچ شناختی از آن نیست، به صرف اعتماد به بزرگ‌ترهای علمی، سیاسی، امنیتی و... اساساً تشکل دانشجویی را از کارکرد می‌اندازد.

#### • سطوح مختلف مطالبه

باید توجه کرد که همه‌ی لایه‌های مختلف چرخه‌ی علمی از محیط تولید دانش یعنی دانشگاه و گروه‌های علمی، تا نهادهای مرتبط با آن حوزه‌ی تخصصی، تا افراد و عناصر و نهادهای درگیر مسئله‌ی خاص انتخاب‌شده در صنعت، جامعه، حکومت یا ... جزو محورهای مطالبه است. ممکن است ماهیت بعضی رشته‌ها به‌ویژه در بعضی حوزه‌های خاص علوم انسانی و علوم پایه، به گونه‌ای باشد که مثلاً با مسائل واقعی در کف صنعت یا حکومت یا جامعه رو به رو نباشد، اما همیشه این افراد نسبت به بخشی از این چرخه می‌توانند مطالبه داشته باشند، مثلاً عملکرد گروه آموزشی یا نهادهای مرتبط با رشته‌ی تخصصی خود را دنبال کنند. گرچه برای اکثر قریب به اتفاق رشته‌ها می‌توان مسائلی واقعی در نظام و جامعه جستجو کرد.

#### • واقع‌بینی به اثرگذاری مطالبه

بسیاری اوقات افراد، نگاه واقعی به‌جایگاه و آثار مطالبه ندارند. اثر مطالبه یعنی گفتمان‌سازی را متوجه نیستند، یا انجام چنین کارهایی را پوچ و بیهوده می‌شمارند. باید نگاه به مطالبه واقع‌بینانه شود، انتظار عجیب از پی‌گیری تخصصی مسائل نظام نباید داشت. مهم‌ترین کارکرد پی‌گیری تخصصی مسائل نظام، جلوگیری از بی‌توجهی به آرمان‌ها و تسلیم وضع موجود شدن در چالش‌های مسائل مختلف نظام است، که آن‌هم نه به‌صورت کلی که به‌صورت تفصیلی و تخصصی صورت می‌پذیرد. رهبر معظم انقلاب خود در این باره بهترین توضیح‌ها را داده‌اند: «یکی از دانشجویان عزیز مطرح کردند که «شما می‌گویید دانشجویان مصلحت‌اندیش نباشند. حالا ما آرمان‌گرا، پس چرا گاهی اوقات بعضی از دستگاه‌های اجرایی مصلحت‌اندیشی می‌کنند؟ این دو چگونه قابل جمع هستند؟» من این نکته را بگویم که مصلحت‌اندیشی بد، منفی و ضد ارزش نیست. مصلحت‌اندیشی یعنی دنبال مسئله‌ای که مصلحت است، رفتن. اینکه موضوع بدی نیست. این را بدانید که دستگاه اجرایی کشور در تعامل بسیار دشوار خود در دنیا، بر سر دوراهی‌هایی قرار می‌گیرد که مجبور می‌شود مصالحی را در نظر بگیرد؛ چون اداره‌ی کشور و کار اجرایی، کار خیلی سختی است. مثال آن، این است که وقتی کسی از پای تلویزیون کوهنوردی را می‌بیند که با

زحمت و قدم به قدم جلو می‌رود، با خودش می‌گوید: یک‌دزّه زودتر و تندتر قدم بردار تنبل! او پای تلویزیون نشسته، در آن ارتفاع چند هزار متری و در آن وضعیت قرار ندارد که ببیند این کار چقدر عملی است. همین مثال بر کسی که مسابقه کشتی یا فوتبال را از تلویزیون می‌بیند، صدق می‌کند. حتماً دیده‌اید که گاهی اوقات بعضی از تماشاگران فوتبال، دائم به بازیکن‌ها و تیم‌های مورد علاقه خود دستور می‌دهند: تنبل بزن! شوت کن! به‌هر حال، کار اداره‌ی کشور کار سختی است و البته مصلحت، هیچ اشکالی هم ندارد؛ ما به آن‌ها ایراد نمی‌گیریم. البته حواسمان هم جمع است که آن‌ها همیشه غرق در مصلحت نشوند و بنده با توجه به مسئولیتم به این موضوع توجه می‌کنم. اگر شما جوانان نگاه به قله‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی به وجود خواهد آمد. برآیند آرمان‌گرایی شما و چالش مسئولان با مصلحت‌ها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت‌گرایی رفتید و گرایش مصلحت‌اندیشانه - یعنی صد درصد با واقعیت‌ها کنار آمدن - وارد محیط فکری و روحی دانشجو جوان شد، آن وقت همه چیز به هم می‌ریزد و بعضی آرمان‌ها از ریشه قطع و گم خواهد شد. دانشجویان نباید آرمان‌گرایی را رها کنند. توقع من از شما عزیزان این است که پایه‌های معرفتی خودتان را در هم‌هی زمینه‌ها عمیق و مستحکم کنید».

(بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکّل‌ها، کانون‌ها، نشریات، هیئت‌های مذهبی و شماری از نخبگان دانشجویی ۱۵/۰۸/۱۳۸۲)

مثلاً بعضی از موارد هست که با یک نسل مطالبه دانشجویی حل نمی‌شود، باید نگاه امدادی داشت، که علم این مسئله غلط و مطالبه آن را بالا نگه داشت تا جایی آن را رساند و به نسل‌های بعد منتقل کرد، که آن‌ها ادامه دهند. نباید انتظار داشت با یک ترم مطالبه چند بیانیه، تجمع یا ... فلان مسئله حل شود. البته باید توجه هم داشت وارد کاری که نمی‌شود، در آن اثرگذاری جدی کرد، نشد. جاهایی هم عمق مسئله جوری است که اساساً ورود به آن کار دانشجویی تشکّل دانشجویی نیست.

#### • درک جایگاه پی‌گیری تخصصی در زندگی اجتماعی فرد

باید توجه کرد که پی‌گیری تخصصی مسائل نظام ویژه‌ی محیط دانشجویی است. پیش از آن محیط دانش‌آموزی، آموزش محور است و پس از فارغ‌التحصیلی جای مطالبه و ... نیست، باید کار تخصصی کرد و در هر حوزه‌ی کاری الگویی ارائه دارد. نقش‌آفرینی این‌گونه فقط در دوران دانشجویی امکان‌پذیر است و به همین جهت مسئولیت جریان دانشجویی چیزی فراتر از مسائل صنفی و مسائل روزمره است. بعد از پایان این دوره نیز فرد باید خود را آماده‌ی کار تخصصی با محوریت حل مسائل مشخصی از نظام بنماید. تجربه‌ی کار دانشجویی هم به لحاظ نیاز وجود یک گروه آرمان‌گرا و گفتمان‌ساز و مطالبه‌گر در نظام ضروری است، هم به لحاظ روش خود فرد و تجربه‌ی هزینه دادن و درگیر شدن با سیستم‌ها، نگاه از بالا و غیر محصور در یک حوزه‌ی کاری خاص و در مواردی به تعبیر رهبر انقلاب نقد تلخ و طلب‌کارانه کردن و عدم پذیرش وضع موجود بخشی از رشد لازم فرد است که در صورت عدم انجام آن بعدها با نقص‌هایی مواجه خواهد شد.

• توجه به لوازم پی‌گیری تخصصی مسائل نظام ضمن عدم سرگرم شدن به لوازم

پی‌گیری تخصصی مسائل نظام لوازم دارد، یکی از لوازم آن این است که به ابعاد لازم دیگر آموزشی و تربیتی و انقلابی دانشجوی توجه شود. وقتی قرار است به دنبال پی‌گیری مسائل نظام و کار انقلابی باشیم، باید توجه کنیم که این مسئله لوازمی دارد، آشنایی با مبانی انقلاب، بصیرت داشتن، درک جامع از وظایف بسیجی و دانشجوی، انگیزش و حفظ روحیه‌ی معنوی و بسیجی و.... این‌ها در ضمن درگیر شدن با مسائل باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از درس‌های قابل درک از سوره‌ی سبأ و دعوت به قیام‌الله (که پرستفاده‌ترین آیه در ادبیات امام خمینی بود) قل انما اعظکم بواجده آن تقوموا لله مثنی و فرادی سم تفکروا همین مسئله است. باید به سراغ این مسائل آمد با مسئله درگیر شد در کنارش به پرداختن به لوازم آرمان‌گرایی و تربیت جامع آرمان‌خواهی و عدالت‌خواهی - عقلانیت - معنویت باید پرداخت. خیلی وقت‌ها افراد - به‌ویژه در علوم انسانی - به نیت خیر وارد این کارهای زیرساختی می‌شوند، اما آن قدر سرگرم این زیرساخت‌ها می‌شوند، که از انجام اصل کار بازمی‌مانند. طبیعی است، این فرآیند رشد دارد، ابتدای ورود به درگیری با مسئله ضعف‌هایی هست که می‌تواند در انتهای مسیر مرتفع شود. بسیاری از لوازم کار در حکم ذی‌المقدمه است و خوب آن‌ها از جنس مقدمه‌ی واجب است (مثل وضو برای نماز). اما مقدمه‌ی واجب تا جایی وجود دارد که به واجب بینجامد، حتی اگر جایی مثلاً به خاطر تنگی وقت، عسر و حرج و.... مانع از انجام خود واجب شود، با جایگزین‌هایی روبه‌رو می‌شود. (مثل تیمم به‌جای وضو، وگرنه وضویی که جلوی نماز را بگیرد، یا جایگزین آن بشود، موضوعیت ندارد). البته این بهانه ترک مقدمه‌ی واجب نیست، باید انسان مقدمات را هم کسب کند، (مثلاً در مورد نماز تأخیر انداختن آن تا موقعی که دیگر فرصت وضو گرفتن نباشد و تکالیف دیگری مثل تیمم به انسان بار شود، اگر عمدی باشد معصیت است)، این کارها نیز همین‌گونه است، بهانه نباید برای کسب مقدمات و زیرساخت‌ها آورد، اما نباید با سرگرمی به زیرساخت‌ها از خود کار هم غافل شد.

#### • ضرورت بینش سیاسی داشتن و دور نخوردن

پی‌گیری تخصصی مسائل نظام نباید، حالت یک کار ایزوله را پیدا کند که افرادی که درگیر فعالیت‌های دانشجویی نیستند، صرفاً درگیر آن شوند. از قضا این رویکرد تخصصی داشتن خطرات بسیار بیشتری را ایجاد می‌کند که در صورت نداشتن دید سیاسی و جدا بودن از بدنه‌ی فعال دانشجویی خود را می‌نمایاند. گاهی اوقات، افراد دید تخصصی پیدا می‌کنند، اما به‌واسطه نداشتن همین دید، فریب می‌خورند. به‌ویژه این که زایش بیمار دانشگاه و روشنفکری در ایران موجب شده که بخش عمده‌ای از افراد دارای ظرفیت‌های تخصصی حداقل از افراد دل بسته به انقلاب و اسلام نمی‌باشند و بعضاً با تمسک به کدهای درست از ضعف‌ها و اشکالات یا ارائه‌ی خطی انحرافی با ادبیات تخصصی موجبات بازی خوردن مجموعه‌ها را فراهم آورند. بعضاً افرادی وجود داشتند که بحث‌های تخصصی سران فتنه‌ی ۸۸ آن‌ها را جذب کرد و این افراد حتی بعد از روشن شدن مسائل پوچ ادعایی آنان نیز به دلیل نداشتن همان بینش سیاسی برنگشتند. یا مثلاً در انتخابات با تکیه‌ی صرف بر بعضی ویژگی‌های مثبت تخصصی از توجه به دل‌بستگی به اسلام و انقلاب ولایت‌فقیه، دسته‌بندی سیاسی، مواضع در شرایط حساس انقلاب مثل فتنه و نغمه‌های

سازش و .... بی توجه بوده‌اند. یا تکنوکراسی و صرف داشتن برنامه بی توجه از مبانی و یا تشخیصی که از مسائل کشور پشت سر برنامه باید باشد، ملاک قرار گرفته است. البته در کفه‌ی تفریطی نیز کسانی را داشتیم که با توجه صرف به بعضی شاخص‌های کلی به افراد بی‌یاقوت رأی داده‌اند و خلاصه راه رفع این مشکل آمیختن نگاه سیاسی و جدا نشدن از کف فعالیت‌های دانشجویی و دانشگاهی سیاسی است. نیرویی می‌تواند محور راه‌اندازی حرکت‌های جدی برای آینده‌ی انقلاب شود که علاوه بر تحلیل درست، سابقه و تجربه‌ی آرمان‌خواهی و هزینه دادن برای پیشبرد انقلاب را داشته باشد. مثلاً برای رأی دادن در انتخابات پایبندی‌های اسلامی و انقلابی نسبت به همه‌ی شروط دیگر اولویت دارد، اما باید در ذیل آن‌ها به مسائل تخصصی هم توجه کرد. به تعبیر شهید دکتر چمران «می‌گویند تقوا از تخصص لازم‌تر است، آن‌را می‌پذیریم. اما می‌گوییم آن کس که تخصص ندارد و کاری را می‌پذرد، بی‌تقواست». سیاسی بودن و تربیت سیاسی داشتن و جریان‌شناسی سیاسی و تحلیل سیاسی داشتن یکی از لوازم پی‌گیری تخصصی مسائل نظام به شمار می‌آید. به تعبیر رهبر معظم انقلاب: «آن چه که بنده نام روشن فکری به آن می‌دهم، غیر از معنای روشن فکری در معارف عمومی عالم است. مقصود من از روشن فکری، مقوله‌ای است که در معارف سیاسی بیان می‌شود. روشن فکری، یعنی شناخت جریان‌های زندگی. روشن فکر حتماً نباید با علم همراه باشد. دانشمندی هستند که روشن فکر نیستند. به عبارتی از مسائل جهان و جریان‌های زندگی و حوادث سیاسی و فرهنگی، چیزی درک نمی‌کنند. در دوران انقلاب، طبقه‌ای از روشن‌فکران بودند که حوادث کشور، رژیم حاکم بر آن و مبارزه و دشمن را می‌شناختند؛ اما تخصص و دانش رایج را نداشتند. بسیاری از مردم عادی جزو روشن‌فکران بودند. در مقابل آن‌ها، عده‌ای از اساتید، دانشمندان و علمای مذهبی وجود داشتند که از علم بالایی برخوردار بودند؛ اما جریان‌های زندگی، مبارزه، سیاست، استکبار و رژیم فاسد آن زمان را نمی‌شناختند. منظورم از روشن فکری، معنای رایج در فرهنگ مباحث فرهنگی - انتلکتوئل - نیست. منظورم روشن فکر به تعریف رایج در مباحث سیاسی است؛ یعنی کسی که در جریان‌های زندگی، واقعیت‌های موجود در محیط سیاسی کشور، دشمن‌ها، دولت‌ها و مبارزه را می‌شناسد و بیش و دیدی عمومی در مسائل اجتماعی و اساسی جهان و زندگی دارد. این روشن فکری است و اگر در اختیار انسان‌ها باشد، آن‌ها را نسبت به خطرهای عمده‌ای که زندگی‌شان را تهدید می‌کند، آگاه می‌سازد... چیزی که از اهمیت زیادی برخوردار است، پیدا کردن نقش و رابطه‌ی مقوله‌ی دانش، روشن فکری و ایمان باهم است... اسلام این سه عنصر را باهم به ما می‌بخشد. برای ساختن نظام اسلامی باید این سه عنصر باهم و در کنار هم باشند. بهترین عامل برای جمع این سه عنصر باهم شما هستید. کشوری که جوانان آن به تحصیل علم بپردازند و با ایمان باشند و روحیه‌ی روشن فکری و روشن بینی داشته باشند، امروز در هر وضعی باشد، قطعاً فردایش روشن و تابنده است.» (بیانات در دیدار دانشگاهیان و فرهنگیان در بابل، ۱۳۷۴/۷/۲۵)

از سویی دیگر باید مسائل مختلف دیگر، از منظر تخصصی مورد نظر قرار بگیرد. مثلاً رهبر معظم انقلاب یکی از وظایف دانشجویان را تفکر در مورد راه‌های مبارزه با آمریکا خواندند این مسئله

می‌تواند در رشته‌های مختلف، پیدا کردن راه‌های دخالت آمریکا در سرنوشت کشور را شامل شود.

#### • مطالبه خانگی و عدم معارضة

از سوی دیگر پی‌گیری تخصصی مسائل نظام و مطالبه‌گری نباید سیاست زده بشود. همه مسئولین و دولت‌ها در نظام اسلامی با تمام قوت و ضعف‌ها، نزدیکی و دوری‌شان به مبانی انقلاب و... بالاخره بخشی از پازل نظام را پر می‌کنند باید تلاش کرد که به آنان کمک کرد. بخشی از این کمک هم با گفتن سازوی اصول و مطالبه مواردی اصولی و قانونی محقق می‌شود. باید از دولت‌ها مطالبه داشت، در مطالبه هم جدی بود، حتی نقد تلخ طلبکارانه کرد، اما نباید این مطالبه را معارضة و دشمنی تبدیل کرد. یا اگر جایی نظری بر مبنای کارشناسی مطرح شد، و انتقادی از مجموعه‌ای صورت گرفت به معارضة با نظام یا رهبری تعبیر شود. البته فضای کلی پی‌گیری مطالبات باید بر اساس منظومه ارزشی و آرمانی انقلاب و منظومه فکری رهبر انقلاب شکل بگیرد و پی‌گیری خطوط متفاوت با خطوط کلی (و نه نظرات شخصی و خاص)، در قالب جنبش دانشجویی حیثیت ندارد. به تعبیر رهبر انقلاب «مطالبه کردن با دشمنی کردن فرق دارد. اینکه ما گفتیم گاهی اوقات معارضة‌ی با مسئولان کشور نشود - که الآن هم همین را تأکید می‌کنیم؛ معارضة نباید بشود - این به معنای انتقاد نکردن نیست؛ به معنای مطالبه نکردن نیست؛ در باره رهبری هم همین‌طور است. این برادر عزیزمان میگوید «ضد ولایت فقیه» را معرفی کنید. خوب، «ضد» معلوم است معنایش چیست؛ ضدیت، یعنی پنجه در افکندن، دشمنی کردن؛ نه معتقد نبودن. اگر بنده به شما معتقد نباشم، ضد شما نیستیم؛ ممکن است کسی معتقد به کسی نیست. البته این ضد ولایت فقیه که در کلمات هست، آیه‌ی مُنزل از آسمان نیست که بگوئیم باید حدود این کلمه را درست معین کرد؛ به هر حال یک عرفی است. اعتراض به سیاستهای اصل ۴۴، ضدیت با ولایت فقیه نیست؛ اعتراض به نظرات خاص رهبری، ضدیت با رهبری نیست. دشمنی، نباید کرد. دو نفر طلبه کنار همدیگر می‌نشینند؛ خیلی هم باهم رفیقند، خیلی هم باهم باصفاوند، هم‌درس هستند، مباحثه می‌کنند، حرف همدیگر را رد می‌کنند؛ این حرف او را رد می‌کند، آن حرف این را رد می‌کند. رد کردن حرف، به معنای مخالفت کردن، به معنای ضدیت کردن نیست؛ این مفاهیم را باید از هم جدا کرد. بنده از دولت‌ها حمایت کرده‌ام، از این دولت هم حمایت می‌کنم؛ این به معنای این نیست که همه‌ی جزئیات کارهایی که انجام می‌گیرد، مورد تأیید من است، یا حتی من از همه‌اش اطلاع دارم؛ نه، لازم نیست. اطلاع رهبری از آن مجموعه‌ی حوادث و رویدادهائی لازم است که به تصمیم‌گیریهائی او، به جهت‌گیریهائی او به انجام تکالیف و وظائف او ارتباط پیدا میکند، نه اینکه حالا از همه‌ی چیزهائی که در محیط دولت و محیط کار وزارتخانه‌ها اتفاق می‌افتد، باید حتماً رهبری مطلع باشد؛ نه، نه لازم است، نه ممکن است؛ موافقت با آنها هم لازم نیست. بعضی از اشخاص و بعضی از کارها ممکن است در مجموعه‌ی دولتی وجود داشته باشد که صد درصد مورد اعتماد و مورد تأیید ماست، اما آن کار را ما تأیید نکنیم؛ چون دلیل ندارد که رهبری وارد محیط اجرائی شود؛ به دلیل اینکه مسئولیتها مشخص است و باید مسئول، وزیر، رئیس فلان مرکز یا بنگاه فرهنگی یا اقتصادی، وظائف خودش را انجام بدهد. بنابراین ما به هیچ

وجه انتقاد کردن را مخالفت و ضدیت نمیدانیم. بعضی تصور میکنند که ما چون از مسئولان کشور، از دولت محترم - که واقعاً دولت خدمتگزار و بارزشی است؛ حقاً و انصافاً. کارهائی هم که دارد انجام میگیرد، می بینید؛ کارها جلو چشم است. باید انسان بی انصاف باشد که اهمیت این کارها را انکار کند - حمایت می کنیم، این حمایت و این طرفداری، به معنای این است که انتقاد نباید کرد، یا من خودم انتقاد نداشته باشم؛ ممکن است مواردی هم انتقاد داشته باشم». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان نخبه، برتران کنکور و فعالان تشکل های سیاسی فرهنگی دانشگاهها ۱۳۸۶/۰۷/۱۷)

به جای مطالبات تند و سیاست زده باید گفتمان سازی صحیح کرد و دایره انصاف و عدم خروج از اخلاق و منطوق را در نظر گرفت. باید نقاط مثبت و منفی را دید، و به صورت واقعی، بخش مقدور از اجرای عدالت و پی گیری آرمان ها و انجام وعده ها را به مطالبه نشست، عقلانیت در مطالبه گری و پی گیری تخصصی مسائل نظام از مسائلی است، که مسئولین را نیز اگر قصد بر عدم انجام نداشته باشند به پی گیری یا پاسخگویی واخواهد داشت و در صورت عدم انجام آن بهانه را از دست آنان سلب خواهد کرد. به تعبیر رهبر انقلاب: « یک سؤال این بود که آیا جریان دانشجویی میتواند آنجائی که ایرادی به نظرش می آید، سؤال کند؟ پاسخ این است که بله، باید سؤال کنید. ایرادی ندارد که سؤال کنید؛ به شرط اینکه همان طور که خود این برادر هم گفت، قضاوت نکنید؛ اما سؤال کنید. بهترین روش سؤال و پاسخ هم این است که مسئولین بیایند توی مجموعه های دانشجویی. من همین جا از مسئولین درخواست میکنم که دیدارهای دانشجویی شان را زیاد کنند. امروز بهترین قشرهای کشور اینها هستند؛ هم جوانند، هم باسوادند، هم تحصیل کرده اند، دارای فهمند، دارای انگیزه اند؛ مسئولین بروند شرکت کنند. این سؤالات مطرح بشود، احتمالاً پاسخهای قانع کننده ای هم خواهید شنید. کماینکه خود من در برخورد با بعضی از مسئولین، احیاناً بعضی از همین سؤالیها شما یا سؤالاتی از این قبیل را از آنها دارم. خوب، یک جوابی میدهند، انسان احیاناً قانع میشود؛ ممکن هم هست جواب قانع کننده ای نداشته باشند. به هر حال طرح سؤال، خوب است. مراقبت کنید طرح سؤال را مخلوط نکنید و اشتباه گرفته نشود با معارضه. آن چیزی که من قبلها هم گفته ام، بارها هم گفته ام، الآن هم میگویم، این است که جریان دانشجویی یا جنبش دانشجویی یا هر چیز دیگر که اسمش هست، تصور نکند که وظیفه اش این است که با دستگاه متولی امر و متصدی اداره ای کشور معارضه کند؛ نه، این خطاست؛ چه لزومی دارد؟ معارضه کردن که کار همیشه درستی نیست؛ ممکن است یک جا درست باشد، یک جا درست نباشد. مهم این است که شما حرفتان را مطرح کنید، استدلالتان را مطرح کنید، پاسخ قانع کننده ای بخواهید؛ مسئولین هم باید پاسخ بدهند.» (بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان ۱۳۸۹/۰۵/۳۱) خیلی اوقات همین ایجاد فضاها و فضاسازی ها فضا را برای موضع گیری و حضور رهبری یا مسئولین سطوح پایین تر در موارد آرمانی یا برای مطالبه کردن از مسئولین فراهم می کند.

- **عدم سطحی‌نگری و خود متخصص پنداری**

وقتی کار دانشجویی صورت می‌گیرد، با توجه به روحیه‌ی آرمان‌خواهانه و وسعت جهان ذهنی و زاویه‌ی دید دانشجو به نسبت یک مسئول و متخصص که مزیت‌های بسیاری دارد، آسیب‌هایی را نیز ایجاد می‌کند. یک آسیب مهم این است که افراد احساس کنند با یک عمق اندک راحت می‌توانند در همه‌چیز اظهار نظر کنند و دچار سطحی‌نگری شوند که باید به آن دقت شود، ما در پی‌گیری تخصصی مسائل نظامی از مسائلی که درمی‌یابیم و به دنبال پی‌گیری آن در نظام می‌رویم، عمق و اطلاع ما از مسئله با کسی که عمری را در آن حوزه دنبال کرده است، ممکن است یکی نباشد. البته نباید این را دور از نظر داشت که همین جهان گسترده‌ی ذهنی دانشجو ورود به حوزه‌های مختلف، فرصتی را فراهم می‌کند که بعضی اوقات برای فردی که در آن حوزه صرفاً ممتحن شده و بعضاً به واقعیت‌های آن حوزه تن داده است، فراهم نیست. فرصت نگاه از بالا، درک یک مسئله در کنار مسائل دیگر، درک اولویت‌های نظام فارغ از تن دادن و پذیرفتن صرف وضع موجود، نگاه حل مسئله‌ای و انتقادی و....

- **عدم پیچیده کردن و تعمیق بیجای مسئله**

باید توجه کرد که همان‌گونه که نباید با سطحی‌نگری مسائل را فروکاست، نباید آن‌ها را پیچیده کرد. بسیاری مسائل هست که مسائل ساختاری و عوامل متعدد هم در آن دخیل هستند، اما بخشی از مسئله هست که با تدبیری از جانب مسئولین، فرهنگ‌سازی از جانب مردم و.... قابل حل هست. بسیاری هستند که در چنین مواقعی با عمیق و پیچیده کردن مسئله و با ذکر این که مسئله ابعاد مختلف دارد، یا باید برخورد ریشه‌ای کرد در برابر کارها می‌ایستند یا افراد را متحیر و منفعل می‌کنند. باید توجه کرد که همان سطحی از مسئله که از جانب مسئولین یا مردم یا رسانه‌ها قابل حل در شرایط فعلی است، باید محور گفتمان سازی و مطالبه قرار بگیرد. البته گاهی هست که مسئله‌ای فراتر از دوره فعلی قابل حل است و باید به میزان ممکن برای آن فضا سازی کرد و دست نسل‌های آتی را باز گذاشت و بر شانه کار نسل‌های پیشین دانشجویی و مردمی و رسانه‌ای در آن حوزه پا گذاشت.

- **عدم نردبان کردن پی‌گیری تخصصی مسائل نظام**

بعضی اوقات نیروهای فعال در این عرصه، غنائم موجود در حوزه‌های تخصصی را می‌بینند، اُحد حضور در تشکل دانشجویی را رها می‌کنند، یا با استفاده از فرصت شناخته شدن به واسطه رسانه و ارتباط با مسئولین به دنبال رشد حسابی و نردبان کردن تشکل دانشجویی می‌روند. باید توجه کرد، دوره‌ی دانشجویی یک دوره‌ی ضروری در زندگی فرد است، دوره‌ای که آرمان‌خواهی و هزینه دادن تجربه‌شده و نگاهی به مسائل کلان نظام در آن حوزه‌ی تخصصی ایجاد شود، نباید این حوزه را به بهانه‌ی وجود کارهای مهم در سیستم یا انجام کار جدی‌تر واقعی رها کرد، یا صرفاً از این کارها وسیله‌ای برای رسیدن به پست و مقام و شغل و... استفاده کرد. چه بسیار بچه‌های فعال خوب دانشجویی که به خاطر رعایت نکردن این اصل از حیث ارتفاع ساقط شدند یا زندگی مثل مسئولینی که منتقد آن‌ها بودند ایجاد کردند، یا در مسیر آرمان‌خواهی در تشکل دانشجویی خلل

ایجاد کردند، یا رشدی که لازم بود با تجربه کسب کردن و رشد علمی و پی گیری تخصصی مسائل نظام کسب کنند را با رشدی حیابی پیدا نکرده و تبدیل به طبل توخالی شدند.

• **درک دوران رشد و پیشرفت کشور و عدم یأس**

آسیب دیگر ناامیدی است، ممکن است که بچه‌ها وقتی اوضاع خراب سیاست‌گذاری‌های کلان کشور وضعیت بد صنعت و حکومت و جامعه را در بعضی یا بسیاری از حوزه‌ها ببینند، دچار یأس و سرخوردگی شوند، ضروری است در این فرایند نقاط ضعف و قوت نظام و دستاوردهای نظام (علی‌الخصوص قدرت نمادین و معنوی حاصل از رشد علمی و فناوری) یادآوری شود و همین‌طور فعالان این عرصه باید توجه کنند، کشور ما بعد از تنها سه دهه از انقلاب ابتدای سیر مراحل رشد و بلوغ را طی می‌کند، تمدن‌های دیگر مثل تمدن غرب بعد از سه-چهار قرن تلاش به وضعیت فعلی رسیده‌اند. بازخوانی سخن رهبر معظم انقلاب در این حوزه‌ها مفید است.

• **اولویت پاسخ به نیاز لحظه‌های انقلاب به کارهای زیرساختی**

خیلی وقت‌ها افراد می‌گویند که باید کار زیرساختی کرد، به این بهانه از پاسخ به نیاز لحظه‌های انقلاب بازمی‌مانند. این افراد در بهترین حالت ارتباط با مسائل واقعی را از دست می‌دهند. در فضای انتزاعی رشد می‌کنند، خیلی اوقات هم چون متوجه نیازهای لحظه نیستند، در قبال غفلت و رها کردن صحنه‌هایی که در لحظه نیازمند نقش‌آفرینی آن‌ها بوده مسئول‌اند. هم‌چنین با خالی کردن صحنه‌ها، فشار نقش‌آفرینی در آن‌ها را به افرادی که احساس مسئولیت کرده‌اند، وارد می‌آید و آن افراد ممکن است از رشد جامع در عرصه‌هایی باز بمانند و خالی کنندگان صحنه در قبال آن مسئول‌اند. رهبر معظم انقلاب در سخنرانی معروف وحدت و تحزب به همین مسئله اشاره می‌کنند: « نگاه نکنید به آن روشنفکر حرفه‌ای غیر متعهد که هیچ کار ندارد، می‌نشیند پشت میز کارش روزی چند ساعت بیانیه و مقاله و جزوه می‌نویسد. ... در زمان خود ما و در طول این دوران مبارزه، روشنفکرها بعد از آنکه جلسه شان را می‌رفتند، باشگاهشان را می‌رفتند، مهمانیشان را می‌رفتند، بورس تحصیلیشان و یا تحقیقی شان را از دولت شاهنشاهی می‌گرفتند و می‌رفتند و برمی‌گشتند، کارهای روزمره‌شان را انجام می‌دادند. در اداره یا مؤسسه‌ای کارشان را می‌کردند، سینما و گردش و تفریح عصرشان را می‌رفتند و خلاصه بعد از آنکه همه‌ی کارهای واجب و مستحب زندگی را انجام می‌دادند، دو، سه ساعتی هم می‌نشستند پشت میز کارشان آقاوار، تمیز، بی‌دغدغه پای کولر یا بخاری قلم می‌زدند. این خیلی کار آسانی بود. این غیر از آن روشنفکر مذهبی و یا بخصوص روشنفکر روحانی است که با مردم و در میان مردم است و توی برج عاج نیست. روشنفکر یعنی آن کسی که آن چیزهایی را می‌بیند که مردم نمی‌بینند، کسی که از سطح بالاتری دارد نگاه می‌کند، مشرف بر مسائل است. جهت‌گیری‌ها را می‌بیند. دشمن‌ها را می‌بیند. دشمنی را می‌شناسد. اوظیفه دارد که زودتر از هر کس دیگر فریاد بزند. خروش برآورد. مردم را بسیج بکند و خانه‌ای را که دشمن در آن سنگر گرفته تصرف کند. و دزدها را بیرون بریزد؛ اما نمی‌کند. او مشغله‌ها و گرفتاری‌ها، دردها و انگیزه‌های دیگر دارد. روشنفکر حرفه‌ای ما تا نیمه‌ی شب در باشگاه، در کلوب، در کافه گذرانیده، قهوه اش را خورده، شور علی‌اف و



سمفونی پنجم بتهوون را گوش کرده، درباره‌ی مسائل آفریقا و آمریکای لاتین گپ فراوانی زده و حالا با وجدان آسوده! آمده خانه و می خواهد بخوابد. اوقت آمدن به داخل صحنه را ندارد. .. اما روشنفکر مذهبی درست عکس این است... او در میان مردم است. با صدها گونه خواسته و توقع مردم روبرو است. برای او با مردم و در میان آن‌ها بودن خودش کاری، و کار مهمی است. پس وقت آن را که از سر صبر و حوصله به قلم زدن بپردازد، ندارد. هزار مسئله برایش مطرح است. هزار درد، هزار سؤال، هزار نیاز در برابرش قرار می گیرد. مشغله های نقد، او را از پرداختن به طرح های درازمدت و غیر نقد باز می دارد. این از جهتی خسارت است و در این شک نیست. اما خسارت اجتناب ناپذیری است...» (۱۵ خرداد ۱۳۵۸ در دانشگاه جندی شاپور)

اساساً فرآیند تولید علم فرآیند ایزوله و کتابخانه‌ای نیست. به تاریخ علم در حوزه‌های مختلف هم که بپردازیم، چه در حوزه‌های عمیق معرفتی چه در حوزه‌های فنی و تکنیکی این مسئله قابل ردیابی است که در پاسخ به سؤال‌های روز یا حتی سؤال‌های منطقه‌ی دانشمندان این حوزه‌ها کار شکل گرفته است. مثلاً بحث‌های دور کهیم و بورديو در جامعه‌شناسی در بررسی پاریس دوره‌ی خودشان شکل گرفته، بحث‌های مارکس در نقد آلمان دوره‌ی خودش، پیشرفت نجوم مسلمین در پاسخ به نیاز جهت‌یابی و زمان‌یابی و... بوده، حوزه‌های فنی و پزشکی نیز چنین است. یکی از دلایل به ثمر نرسیدن بسیاری از بحث‌های مربوط به علم دینی و بومی در سی سال گذشته همین مسئله‌ی عدم مسئله محور بودن عالمان مختلف فنی و پزشکی و انسانی و سایر حوزه‌های ماست. اساساً مهم‌ترین فرآیند تولید علم، فهم مسئله است و یکی از بهترین مسیرهای آن در فرآیند مطالبه‌گری محقق می‌شود. فعالان تشکل‌های دانشجویی در صورت پی‌گیری مسائل اساسی بخش تخصصی خودشان بهترین افراد در فهم مسائل بومی خود هستند و مستعدترین افراد برای تولید علم بومی و پیشرفت کشور، علاوه بر آن بر اساس نیاز می‌فهمند احتیاج به کار کردن بیش‌تر در کدام بخش مبانی یا نقد عمیق‌تر کدام بخش دستاوردهای فکری و علمی بشری دارند و صرفاً به برف‌انبار کردن مبانی مفاهیم و تورم اندیشه و مطالعه بدون حاصل و منتشّت نمی‌پردازند.

#### • عدم پرداختن به سنگ بزرگ

یک مسئله‌ی مهم پروژۀ نکردن کار و شروع کار از کارهای کوچک است. معمولاً کارهای کوچک و ادامه‌دار منجر به اثرگذاری‌های بزرگ خواهد شد. سنگ بزرگ نشانه نزدن است، بسیاری کارها در محیط دانشجویی به علت عدم رعایت این مسئله به بهانه‌های واهی مثل ضرورت بررسی همه‌ی جوانب یا انجام کار در شأن مجموعه و... از بین می‌رود. به تعبیر زیبایی‌رسان: «قلیل یدوم حیث خیر من کثیر لا یدوم، کار کوچکی که تداوم بیاید بهتر از کار بزرگ بی‌تداوم است».

#### • توجه به قوانین، اسناد و نهادهای مربوط

باید به قوانین، اسناد و نهادهای مربوط به هر رشته یا بحث مورد نظر پرداخت. اسناد بالادستی مثلاً نقشه جامع علمی، سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های مختلف، قوانین پایه و آیین‌نامه‌ها و همه‌ی نهادهای رسمی و غیررسمی و... را می‌توان در این پی‌گیری‌ها مورد توجه قرار داد و خیلی وقت‌ها این اسناد و قوانین، مسیرهای مطالبات را مشخص می‌کند.

• مشکلات ویژه‌ی علوم انسانی‌ها

در علوم انسانی و به تبع آن هنر، ما با مشکلات دو چندان مواجهیم که به ماهیت رشته‌ها برمی‌گردد.

○ تفاوت مبانی علوم انسانی در اکثر رشته‌ها با مبانی دینی و عدم لحاظ شدن اقتضات بومی درون آن

○ عدم درک ارتباط مستقیم بین بعضی رشته‌ها با مسائل تخصصی نظام

این اشکالات موانع بسیاری را ایجاد کرده است.

○ بی‌انگیزگی دانشجویان مسلمان و انقلابی از خواندن علوم انسانی به خاطر تفاوت مبانی و ترس از گمراه شدن و انزوای اساتید و دانشجویان انقلابی به خاطر جو غالب غیر و حتی ضد بومی و دینی

○ سرگرم شدن در نقد غرب و علوم انسانی غربی به‌ویژه با نگاه‌های متفاوت با نگاه مکتب معیار انقلاب در غرب‌شناسی

○ سرگرم شدن در جلسات مربوط به بحث‌های فلسفی علمی از جنس امکان و نفی علم دینی

○ انجام حرکت‌های روتین و عادی دانشجویی

○ سرگرم شدن به مباحث زیرساختی و دوری از مسائل نظام و بی‌توجهی به نیازهای حال جمهوری اسلامی و انقلاب

برای حل این مسائل چه باید کرد؟

○ باید نگاه ترویجی موجود در تشکّل‌ها به علوم غربی و غرب‌شناسی تغییر کند. ما در یک تشکّل دانشجویی باید حجت داشته باشیم و مواردی را ترویج کنیم که با نگاه مکتب معیار انقلاب و نگاه بنیان‌گذاران انقلاب هم‌خوانی دارد. بر این مبنا غرب‌شناسی‌ها و موضع‌گیری‌های ناهم‌خوان با این نگاه، گرچه در مقام علمی جای بررسی و نقد و استفاده دارد، از نظر تشکّل نباید به‌عنوان نگاه معیار و بی‌توجه به نقد آن، ترویج شود.

○ بین وظیفه‌ی درازمدت تبدیل به مجتهد در علوم انسانی وظیفه‌ی کوتاه‌مدت تشکیلاتی دانشجویی، تفاوت گذاشته شود. و به اقتضات این لحظه توجه شود.

○ ایجاد نشاط علمی در فضای دانشگاه و فرهنگ‌سازی نو اندیشی و نوآوری و تقویت روحیه‌ی پرسشگری علمی و ایجاد فضای تضارب آراء، ایجاد جرئت علمی در فضای دانشگاه و مطالبه‌ی علمی و دیده شدن آدم‌های جبهه‌ی انقلاب و محصولات و کارهای‌شان یک اولویت جدی است. این اقدام می‌تواند با بازخوانی و نقد و فروش کتاب‌ها و مقالات و محصولات اساتید انقلابی حرف‌دار مرتبط با هر حوزه‌ی تخصصی و کرسی آزاداندیشی و نظریه‌پردازی و نقد و مناظره، نقد و بازخوانی بحث‌های چهره‌های انقلابی و دینی در حوزه‌ی مورد نظر اتفاق بیفتد.

○ مسائل نظام به‌صورت جدی مطرح‌شده و تلاش شود اساتید و چهره‌های حرف‌دار هم ناظر به نقد نظریات غربی و هم اثبات مبانی دینی تلاش کنند چاره‌جویی‌هایی انجام بدهند.

○ اکثر رشته‌های علوم انسانی به‌صورت مستقیم به نوعی با مسائل عینی نظام و جامعه و امت

اسلامی درگیرند. از مسائل اقتصادی تا سیاسی تا فرهنگی و اجتماعی و... برای هر یک می‌توان مواردی را لیست کرد. بعضی از این رشته‌ها که ماهیت نظری‌تر دارند مثل زیرشاخه‌های الهیات و فلسفه و تاریخ و... باید به سراغ مسائل اصلی فکری مورد بحث آن حوزه‌ی تخصصی بیایند. مثلاً در چند سال اخیر شبهاتی در مورد فلسفه از جنب اخباریان، تفکیکی‌ها، پست مدرن‌ها و... ایجاد شده، تشکل دانشجویی دانشکده‌ی فلسفه و فلسفه‌ی اسلامی وظیفه‌ی بحث و نقد و روشن کردن این مسئله را دارد. یا فلان دعوی تاریخی در مورد تاریخ معاصر یا تاریخ اسلام و... باید در محیط دانشکده‌ی تاریخ بحث شود، مثلاً در سال فتنه در مورد امکان یا عدم امکان تطبیق حوادث جاری با حوادث تاریخ اسلام بحث شده بود و... رشته‌های زبان عرب و زبان خارجه و رشته‌های مشابه علاوه بر مطالب‌گری مسئولیت‌هایی در برقراری ارتباط با جهان اسلام دارند.

○ بسیاری از رشته‌هایی که نظری و دور از فضای عینیّت به حساب می‌آیند، هم ماهیت‌شان به گونه‌ای است که می‌توانند در این زمینه فعال شوند، مثلاً مسئله‌ی قانون مجازات اسلامی از دانشکده‌ی فقه، علوم قرآن و حدیث، علم اجتماعی، حقوق، علوم تربیتی و... را می‌تواند درگیر کند. ○ باید توجه کرد که تأکید به مسئله محوری به معنای غرق شدن در فضای پوزیتیویستی موجود در علوم انسانی نیست. برای مسئله محوری در این موارد ناچار باید از اقتضانات بومی و مبانی دینی نیز در کنار دانش موجود بشری و نقد آن سود جست، اما باید توجه کرد که کار زیرساختی در مورد نقد دستاوردهای فکری و علمی بشری و اثبات مبانی دینی در علوم انسانی نباید ما را از پرداختن به ضلع سوم یعنی اقتضانات بومی و پرداختن به مسائل نظام و جامعه و امت اسلامی بازدارد.

#### • معضل خاص دانشجویان رشته‌های با مدت تحصیل طولانی

دانشجویان رشته‌هایی که زمان تحصیل آن‌ها طولانی است، مثل رشته پزشکی یا دکترا و یا ارشد پیوسته نظیر بیوتکنولوژی شرایط ویژه‌ای دارند. نمی‌توان از این دانشجویان انتظار داشت، در تمام طول دوران تحصیل به یک گونه عمل کنند. سال‌های ابتدایی تحصیل این رشته‌ها مثلاً در پزشکی تا ابتدا یا میانه دوره استیجری در عمل مثل یک دانشجوی فعال تشکلی در یک تشکل دانشجویی می‌تواند طی شود، اما بعد از دوره انترنی و دستیاری و... باید مثل نگاه به دانشجوی تحصیلات تکمیلی با این رویه رو به رو شد. البته در موارد نادری هست، که دانشجویانی در این دوره‌ها مثل موارد نادر دانشجویان تحصیلات تکمیلی آمادگی نقش‌آفرینی دارند، یا با مواجهه با مسائل واقعی در بیمارستان یا مکان‌هایی که برای تحقیقات، کارورزی و... حاضر می‌شوند، مواردی برای پی‌گیری تخصصی مسائل نظام می‌یابند و ممکن است به صورت محدود با آن رو به رو شوند. یا به صورت نمونه این گروه با ورود در فضای پژوهشی به مسائلی در مورد مدیریت پژوهشی در نظام آموزشی و پژوهشی کشور می‌رسند و می‌توانند در این موارد وارد گفت‌وگو سازی و مطالبه‌گری شوند، یا بدنه فعال تشکل‌ها را از موارد لازم برای پی‌گیری و مطالبه‌گری تغذیه نمایند.

• نگاه درست داشتن به وجهه علمی تشکل

باید توجه کرد که ضلع اصلی وجهه علمی تشکل در دانشگاه و کشور این است که اساتید، دانشجویان، مسئولین و... ببینند تشکل دانشجویی دنبال مسائل تخصصی رشته تحصیلی اش هست. به جای درگیری های سیاست زده و جناحی، دغدغه ها و مطالباتش مسائل واقعی و تخصصی کشور است. اعضای تشکل هم به تبع درگیر واقعیت های تخصصی رشته خود شدن و نگاه از بالا پیدا کردن از بقیه هم رشته ای ها و حتی استاد های انتزاعی (که اکثریت اساتید را تشکیل می دهند) یک سر و گردن بالاتر می روند. این وجهه تشکل دانشجویی را اصلاح می کند. طبیعتاً این که بچه های تشکل دانشجویی درس خوان باشند، خیلی مؤثر است، اما تقلیل کارهای مجموعه به صرف درس خوان بودن نه چیزی را حل می کند، نه به صورت عادی محقق می شود، چرا که بیشترین مشکل افت تحصیلی ها به مشکل انگیزه برمی گردد. درس خوان شدن اعضای تشکل هم با پی گیری حلقه های داخلی از طرف مجموعه و از آن مهم تر با انجام وظایف مربوط به پی گیری تخصصی مسائل نظام محقق می شود. در تشکل های دانشجویی انقلابی مشکل استعداد برای بچه ها نیست، مشکل انگیزه به این جا برمی گردد، که بچه ها چون احساس می کنند این کارها بی خود است یا نیازهای اصلی انقلاب با کارهای فرهنگی، سیاسی و... تأمین می شود، و احساس نمی کنند تمرکز در حوزه علمی در کوتاه مدت برای نظام و انقلاب آورده دارد، لذا خود را با کارهای دیگر ارضا می کنند. از سوی دیگر انجام یک کار تخصصی طبیعتاً کلاس وجهه زیادی دارد، افراد به طمع این مسائل، از انجام وظیفه اصلی خود می مانند، مثلاً مجموعه می گوید ما پروژه گرفتیم مشکل فلان را حل کردیم، دستگاه فلان را اختراع کردیم و... حال که بسیاری از این موارد در بهترین حالت وظیفه فردی افراد است.

پی گیری تخصصی مسائل نظام بچه ها را با مسائل عینی انقلاب و نظام، درگیر می کند و لذا احساس می کنند درس خواندن شان هم مؤثر و مفید است. انجام بسیاری کارهای دیگر نظیر همایش های تخصصی، مسابقات و ژورنال راه انداختن و... عملاً آورده ای برای تشکل و اعضای آن و حتی در اکثر موارد انقلاب اسلامی ندارد. حتی اگر مورد تقدیر اساتید، مسئولین و... واقع شود، این به معنای نفی مطلق کارهایی برای ارتقای درسی اعضای مجموعه یا انجام بعضی حرکت های درسی که به ویژه در دانشکده های فنی و علوم پایه صورت می گیرد مثل ارائه بعضی خدمات درسی و آموزشی نیست. به این معناست که اگر کارویژه اصلی انجام شود، بسیاری از کارهایی که به دلیل عدم انجام کارویژه اصلی، اصل شده اند خودبه خود نیازشان مرتفع و در اکثر موارد موضوع شان رفع می شود، که احتیاج به دوپینگ برای کم کردن فاصله ها نباشد.

• نگاه درست به فرآیند جذب افراد به تشکل

باید به جای نگاه غلط و کاریکاتوری به جذب افراد، به صرف این که مدل خاصی از کارها طالب دارند، توجه کرد، آن چه زمینه جذب افراد را فراهم می آورد، جامعیت یک مجموعه و توجه به وظایف مختلف است. همین مسئله را به صورت موازی در کارهای سیاسی و فرهنگی هم موجود است، که به صرف این که مثلاً دانشجویانی جذب کارهای زرد فرهنگی مثلاً دعوت فلان مجموعه

ژانگولر بازی و مجری تلویزیونی می‌شوند یا ... مدل کار سامان بیاید. حالا هم چون یک عده صرفاً جذب انجام فلان کار تخصصی می‌شوند، یک مجموعه خود را در آن چارچوب تعریف کند، به همین نگاه غلط برمی‌گردد. اگر کارویژه درست پی‌گیری تخصصی مسائل نظام شکل بگیرد، افراد هم با فضای جدید گره خواهند خورد. البته باید هم توجه کرد تشکل مسئولیت جذب همه افراد به مجموعه را ندارند. شاید در عرصه‌هایی همین نگاه از بالا دادن و پی‌گیری تخصصی مسائل نظام، خود زمینه‌سازی نشاط و کسب قدرت علمی و جهت‌یابی درست تخصصی کل بدنه دانشگاه را فراهم می‌کند. یک وقت هست، که وظیفه اصلی علمی که پی‌گیری تخصصی مسائل نظام هست، انجام می‌شود، بیش‌تر از این ظرفیت و توان وجود دارد، می‌توان به فضاهایی فراتر از پی‌گیری تخصصی مسائل نظام فکر کرد، اما آن قدر نظام و انقلاب مسئله دارد، که در اکثر موارد جایی برای مواردی از این دست نمی‌ماند. در بسیاری از این موارد باید تلاش کرد، این مجموعه‌ها را به سمت پژوهشکده‌های دانشجویی که رهبر انقلاب شکل‌گیری سازوکارش را از وزارتین علوم و بهداشت (نه تشکل‌های دانشجویی) مطالبه کردند، شرکت‌های دانش‌بنیان یا .... هدایت کرد.

#### • اضطراب و کارهای بر زمین مانده

گاهی اوقات هست که انقلاب در مسئله خاصی به اضطراب می‌رسد، مطالبه و پی‌گیری جدی هم از نهادهای مسئول انجام می‌شود، اما این نهادها کار خود را نمی‌توانند انجام دهند، و انقلاب به‌صورت عینی در حوزه‌ای به چالش برمی‌خورد، که ضررهای جدی به آن وارد می‌شود، مثل دوران دفاع مقدس، این‌جا ممکن است ورود محدود به یک مسئله موضوعیت و توجیه پیدا کند. با توجه به جنگ اقتصادی و مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی ممکن است در این حوزه‌ها مسائل خاصی مطرح شود، کما این که بعضی موارد مربوط به تحریم همین‌گونه از دل مجموعه‌های دانشجویی حل مسئله‌اش هم جوشید. اما تجربه نشان داده است، که در اکثر موارد چنین نیست، مثلاً این که نظام باید در ۱۴۰۴ کشور اول منطقه در حوزه علم و فناوری باشد و نهادهای مسئول کم‌کاری می‌کنند، بهانه برای این که خب خود ما وارد مدیریت تحقیقات در حوزه‌هایی خاص بشویم نیست. ما باید کاری کنیم که به‌جای این که یک گردان بفرستیم یک منطقه کوچکی که اکثراً هم محاصره شده است با کم‌کاری و نخواستن و نتوانستن و ندانستن‌ها تیپ‌ها و لشکرهای نظام و دانشگاه به سراغ خل آن مسائل بیابند. یا در مورد اردوهای جهادی (که کاریکاتوری از اقدام گسترده و سازمانی جهادسازندگی آن هم در ماه‌های آغاز انقلاب است)، یک راه این است که فقط برویم بیل بزنییم، فلان کار فرهنگی را بکنیم و... که به‌جای خودشان کارهای لازم و مفید و موجب آشنا شدن با درد محرومین و ارتباط برقرار کردن با آن‌هاست، ولی در اکثر موارد نیاز جدی از آنان برطرف نمی‌کند. باید به سمت این رفت که مثل کاری که جهادسازندگی در سال‌های بعدی می‌رفت، کاری می‌کرد روستاییان توانمند شوند، یا مشکلات ساختاری توسعه روستایی برداشته شود، سازوکار را اصلاح کرد و کاری کرد خود روستاییان فعال شوند.

#### • توجه به موانع و ذی‌نفعان در هر مسئله

بسیاری از موارد هست که صرفاً مشکل از سازوکارهاست، مثلاً استفاده از فناوری اطلاعات و

سیستم‌های یک‌پارچه تحت وب یا ... بسیاری از مسائل را حل می‌کند، اما بسیاری از موارد هم هست که این‌گونه نیست، ذی‌نفعان و موانعی دارد، باید بسته به شرایط هر مسئله برخورد خاص را اتخاذ کرد. نباید به دنبال این بود که همه‌چیز را ساختاری کرد، از سویی نباید همه‌چیز را هم‌احاله به این کرد که ذی‌نفعی وجود دارد، بسیاری از اوقات دست گذاشتن روی سازوکار بساط ذی‌نفعان را جمع می‌کند، اما گاهی هم همین ذی‌نفعان جلوی اصلاح سازوکار ایستاده‌اند که باید بدون این که تبدیل به یک طرف پرونده‌ها و موارد شد، فضا سازی رسانه‌ای یا توجیه مسئولین ایجاد کرد، که موانع کار برچیده شود.

#### • مستندسازی و خدمات پس از فروش

انجام کار بخشی از مسئله است، اما اگر همین فرآیند مستندسازی نشده و ظرفیت‌های فراگیری و ماندگاری و ایجاد فشار افکار عمومی و رسانه‌ای برای آن انجام نگیرد، ابر می‌ماند. لذا هم ضرورت دارد کار مستندسازی و به نسل‌های بعدی دانشجویی و در اولویت بعدی حتی احیاناً مجموعه‌های دیگر فعال در موضوع مورد نظر مثل کانون‌های تفکر، معاونت‌های پژوهشی و ... منتقل شود و افراد مجبور نشوند همه از صفر و اختراع دوباره‌ی چرخ آغاز کنند و مسیرهای طی شده، آزمون و خطاها و ... تکرار نشود. هم‌چنین با رسانه‌ای کردن کار موجب یادگیری بقیه، فشار آوردن برای تحقق مسئله، گفتمان‌سازی و ایجاد ظرفیت‌های جدید می‌شود که گاهی اوقات اهمیت این کار مهم‌تر از خود کار و نقش‌آفرینی دانشجویی است.

## ◀ فصل پنجم :

### نمونه‌های موفق در فرایند یا نتیجه

حال این سؤال مطرح می‌شود که فارغ از بحث نظری و مبانی آرمانی در کنار آدرس‌های غلط، نمونه‌های موفق نیز در محیط دانشجویی نیز وجود داشته است؟ مواردی که فرایند پی‌گیری تخصصی مسائل نظام را درست طی کرده‌اند، از این‌گونه موارد بسیار هست، فارغ از امکان نقد محتوا، فرایند و نتیجه‌ی این کارها نفس ورود تخصصی به موارد قابل تأمل است. بعضی از این کارها به نتیجه‌ی مؤثر رسیده‌اند، بعضی هم نرسیده‌اند. بعضی از این اقدامات را افراد در حوزه‌ی تخصصی رشته‌ی خود انجام داده‌اند، بعضی از این اقدامات در حوزه‌ی تخصصی آن‌ها نبوده است، اما پی‌گیری تخصصی مسائل نظام، صورت گرفته است. به صورت مشت نمونه‌ی خروار می‌توان بعضی از کارهای پر سر و صداتر را بازخوانی کرد. (البته به دلیل عدم مستندسازی و یا در دسترس نبودن مستندات بسیاری از کارهای انجام‌شده در شهرستان‌ها در این مجموعه نیست که می‌تواند با ارسال آن‌ها در تکمیل این مجموعه کمک کرد).

#### • مبارزه با بازاریابی شبکه‌ای

در سال ۸۳ و ۸۴ در کشور پدیده‌ی جدیدی در حال رشد بود. شرکتی به نام گلدکوئست در حال عضوگیری گسترده بود، و با جذب افراد در بازاریابی شبکه‌ای هزینه‌های هنگفتی را وصول می‌کرد، آثار سوء بسیاری بر آن مترتب بود، و جمع بسیاری از مردم و اکثریت دانشجویان حتی نیروهای معتقد جذب گلدکوئست و شرکت‌های مشابه می‌شدند (حتی بعدها نمونه‌های مشابه وطنی با هدف گرفتن نیروهای مذهبی تولید شد). بحث در این زمینه در واحد اقتصاد مهندسی چند نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران موجب شد تا تیمی در این زمینه شکل بگیرد، با رصد مسائل مربوط، مشورت با کارشناسان آثار سوء مسئله استخراج شد. ستاد ملی مبارزه با بازاریابی شبکه‌ای شکل گرفت، دانشجویان خارج از بسیج و تشکل‌های همسو

حتی بعضی نیروهای غیر تشکیلاتی همراه شدند. ابتدا با برگزاری چند همایش تخصصی (که با حمله‌ی اعضای گلدکوئست به جنجال کشیده شد) کار کلید خورد و سپس انتشار چندین بیانیه، استفاده از مراجع، یک نشریه‌ی تحلیلی و چندین نشریه‌ی اطلاع‌رسانی، راه‌اندازی یک سایت مرتبط با مسئله (<http://www.nms.ir>)، نامه به نهادهای مسئول و تشریح مسئله مثل قوه‌ی قضائیه، مرکز پژوهش‌های مجلس، نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، وزارت علوم و... برگزاری جلسات متعدد با مسئولان امر، تهیه‌ی مستند از آثار گلدکوئست و... پیش‌رفت. هم مسئله غیرقانونی اعلام شد، هم قانون آن در مجلس به تصویب رسید، هم موج رجوع به آن به‌ویژه در دانشگاه فروکش کرد.

#### • نقد صدا و سیما

تابستان ۸۱ چند دانشجوی عضو مجمع دانشجویان حزب‌الله دانشگاه علم و صنعت به این نتیجه رسیدند که یک از مهم‌ترین مشکلات کشور، نبود یک چارچوب درست نسبت به ضرورت‌های لازم برای پی‌گیری وضعیت صدا و سیماست. این افراد به‌صورت فشرده در چند هفته با بررسی صحبت‌های امام و رهبری و کارشناسان انقلابی درباره‌ی صدا و سیما و برگزاری جلسات مرتبط کارشناسان مختلف، به جمع‌بندی رسیدند و در نهایت خروجی در قالب یک بیانیه‌ی تحلیلی منتشر شد. این بیانیه آن قدر عمیق و دقیق بود که تا سال‌ها بعد به‌عنوان مرجعی برای نقد درست و اولویت‌های اصلی صدا و سیما واقع می‌شد.

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) نیز در طول سال‌های ۸۵ تا ۸۷ چندین همایش تخصصی با محوریت دین در چشم شیشه‌ای برگزار کرد و ضمن ارائه‌ی بحث صاحب‌نظران با دعوت از مسئولین صدا و سیما با حضور رییس و سایر مدیران عالی سازمان در جلسه‌هایی به نقد عملکرد صدا و سیما پرداخت.

#### • پی‌گیری مسائل تخصصی حوزه‌ی نفت

بسیج دانشجویی دانشکده‌ی شیمی و عمران پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران با برگزاری جلساتی در سال ۱۳۸۶ تلاش کرد تا مسائل اصلی حوزه‌ی نفت کشور وزارت نفت را بررسی کند. بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) در تابستان سال ۱۳۸۹ با برگزاری یک دوره‌ی آموزشی در مورد نفت، یک بیانیه‌ی تحلیلی در مورد مسائل اصلی حوزه‌ی نفت منتشر کرد.

بسیج دانشجویی دانشکده‌ی نفت دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال ۱۳۹۰ با برگزاری جلساتی با کارشناسان نفت مدیرکل امور بین‌المللی وزارت نفت را به دانشگاه دعوت کرد و در جلسه‌ای چالشی به نقد سیاست‌های بازاریابی وزارت نفت در شرایط تحریم پرداخت.

#### • پی‌گیری وضعیت کارگران

بسیج دانشجویی دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه علامه در سال ۱۳۸۷ و همزمان با زمزمه‌های تغییر قانون کار میزگردهایی در این زمینه برگزار کرد. جنبش عدالت‌خواه دانشجویی نیز گزارش‌هایی در این زمینه منتشر کرد. در سفر به شهر خمین نیز با برگزاری جلسه‌ی مطالبه از مسئولین در مورد کارخانه‌ی تعطیل‌شده، به برگزاری تجمع مقابل آن پرداخته شد.



• **مبارزه با دانشجوی پولی**

دانشجوی پولی در طول دهه‌های هفتاد و مشخصاً هشتاد یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل در کشور بود، بعد از اعتراضات جستجوگریخته، اعضای مجمع دانشجویان عدالت‌خواه دانشگاه صنعتی اصفهان در سال ۱۳۸۳ اقدام به تهیه‌ی یک گزارش تحلیلی در مورد آثار پذیرش دانشجوی پولی پرداختند که در قالب گزارش تفصیلی شورای دانشجویی مبارزه با پولی شدن دانشگاه‌ها منتشر شد، این گزارش به‌صورت گسترده در نهادهای مختلف توزیع شد و بعدها تحصن دانشجویی مقابل مجلس شورای اسلامی شکل گرفت. گرچه این اعتراض به سرانجام نرسید، اما گزارش دانشجویی محور بحث شد و حتی رییس وقت کمیسیون آموزش مجلس هفتم (که خود از حامیان جدی دانشجوی پولی بود)، از تهیه‌کنندگان این گزارش تحلیلی به خاطر تنها بررسی علمی مسئله تشکر کرد.

• **پی‌گیری وضعیت آموزشی گروه‌های علمی دانشگاه**

بسیج دانشجویی دانشکده‌های برق و مکانیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال ۱۳۹۱ با برگزاری جلساتی با معاونین و مسئولین آموزش دانشکده‌های خود به آسیب‌شناسی آن پرداختند. مجمع دانشجویان حزب‌الله دانشگاه علم و صنعت با ساخت مستندی در سال ۱۳۹۰ به آسیب‌شناسی وضعیت آموزش عالی و مشخصاً دانشگاه علم و صنعت پرداخت.

• **مقابله با ساخت و سازهای خلاف اصول در تهران**

بسیج دانشکده‌ی شیمی و عمران پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۴ پس از بررسی چند واقعه از جمله ساخت و سازهای غیر اصولی حاشیه‌ی تهران با مشورت بعضی اساتید و پی‌گیری بعضی دانشجویان بیانیه‌ای تحلیلی خطاب به مسئولین شهرداری تهران منتشر کرد. هم‌چنین با تعریض غیر اصولی خیابان ولیعصر بیانیه‌ی تخصصی دیگری با بسیج دانشکده‌ی هنرهای زیبا (که واجد رشته‌ی معماری بود)، منتشر شد.

• **پی‌گیری تخصصی مسائل نظام در حمایت از فلسطین**

در تابستان ۱۳۸۵ با حمله‌ی اسرائیل به غزه و پس از آن جنگ ۳۳ روزه، حرکت‌های دانشجویی مختلفی کلید خورد. بعضی تشکل‌های دانشجویی پس از انجام اقدامات معمولی مثل تجمع مقابل سفارتخانه‌ها و کنفرانس خبری و تجمع نمادین لب مرز به این فکر افتادند که ببینند به لحاظ قانونی چه ظرفیت‌هایی برای پی‌گیری مسئله‌ی مقاومت اسلامی در داخل کشور هست. بعد از بررسی مشخص شد چند قانون مشخص داریم که دوظیفه‌ی کمتر توجه شده‌ی تحریم کالاهای صهیونیستی و وظایف فرهنگی را شامل می‌شود. همین قضیه مقدمه‌ی مطالبه در هر دو محور شد. در محور دوم با ارسال نامه خطاب به مسئولان اصلی فرهنگی کشور سؤالاتی نسبت به عملکرد آن‌ها صورت گرفت و در خواست جلسه برای نقد و پی‌گیری جدی‌تر شد، با موافقت مسئول حوزه‌ی هنری به‌عنوان یکی از چهار بازوی اصلی فرهنگی کشور جلسه‌ای با وی برگزار شد. برای برگزاری این جلسه با مشورت از قریب بیست تن از اساتید و فعالان جبهه‌ی فرهنگی انقلاب مجموعه راه‌کارهای ممکن حوزه‌ی هنری استخراج شد و مورد مطالبه قرار

گرفت. جنبش عدالت خواه، بسیج دانشجویی دانشگاه امیرکبیر، تشکل های دانشجویی دانشگاه امام خمینی قزوین، انجمن دانشجویان حامی قدس شریف، جنبش دانشجویان جهان اسلام و... نیز حرکت های مختلفی را برای مبارزه با کالاهای صهیونیستی اعم از همایش، نامه، جلسه ی مطالبه، بیانی، تبلیغ، گزارش تحلیلی، تجمع، راه اندازی سایت و... انجام دادند.

#### • پی گیری وضعیت علم و فناوری در کشور

شورای علمی بسیج دانشجویی یکی از دانشکده های فنی کشور، طی نامه ای به مقام معظم رهبری نسبت به یکی از تحقیقات ارائه شده به ایشان از جانب مسئولین در مورد وضعیت علم و فناوری کشور - که در یکی از بیانات معظم له مورد اشاره قرار گرفته بود انتقاداتی را مطرح کردند. مدتی بعد یکی از معاونین دفتر امام خامنه ای طی نامه ای خطاب به شورای مذکور از قول معظم له چنین پاسخ گفتند که «از تذکر شما کاملاً متشکرم». این نامه یک سال بعد در رسانه ها منتشر شد.

#### • پی گیری تخصصی مسائل نظام در انتخابات

در پایان دولت اصلاحات و در حوالی انتخابات محل هفتم رییس جمهور وقت بیانیه ای تحت عنوان برای فردای ایران منتشر کرد. بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) به فاصله ی یک روز با کار کارشناسی فشرده با مشارکت اساتید و دانشجویان جوابیه ای خطاب به رییس جمهور وقت منتشر کرد، که حاوی جوابی به موارد تخصصی مغالطه آمیز بود.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ جنبش عدالت خواه دانشجویی در ابتکاری با مشاوره با کارشناسان حوزه های مختلف به طرح سؤالات تخصصی در حوزه های آموزش و پرورش، سیاست خارجی، کشاورزی، مفاسد اقتصادی و... بیانیه های تخصصی منتشر کرد و از کاندیداها دعوت کرد به سؤالات تخصصی در این عرصه پاسخ بگویند. بسیج دانشجویی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران نیز تلاش کرد تا با دعوت از کاندیداها به صورت مشخص در حوزه ی اقتصاد، برنامه های آن ها را به بررسی بگذارد. در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی نیز بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران با انجام کار تحلیلی در مورد الزامات نظام سلامت و فرصت های مجلس برای پی گیری آن با انتشار بیانیه و دعوت کاندیداها لیست های مختلف دو جلسه ی چالشی با آن ها در مورد اولویت های کمیسیون بهداشت و درمان مجلس برگزار کرد. بسیج دانشجویی دانشکده علوم سیاسی و حقوق و هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۶ همزمان با انتخابات شورای شهر، اقدام به انتشار بیانیه تحلیلی در نقد عملکرد شورای شهر دوم تهران کرد و در حوزه های مختلف، عمرانی، حقوقی، معماری، فرهنگی و... نکاتی مورد توجه برای رأی دادن و شورای شهر سوم منتشر کرد.

بسیج دانشجویی دانشگاه تهران در انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم با برگزاری سلسله جلسات تدبیر جمهور تلاش کرد تا نشست های تخصصی با نمایندگان کاندیداها یا خود آن ها با موضوعات مختلف برگزار نماید، بسیج دانشجویی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی نیز تلاش کرد تا با برگزاری سلسله نشست هایی با موضوع اقتصادی همین کارویژه را انجام دهد.

بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف نیز با چاپ جزواتی به نام شاخص و انتشار آن در اینترنت و به صورت محدود در فضای حقیقی، تلاش کرد در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... شاخص‌هایی برای ارزیابی برنامه‌ها و سخنان کاندیداها و موارد ضروری برای پی‌گیری از جانب تشکل‌های دانشجویی معرفی کند. اعضای شورای پی‌گیری مطالبات رهبری در کشاورزی با پرسش سؤال‌هایی از نمایندگان کاندیداها در این دوره در نشست‌های رایج سیاسی تلاش کردند موضوعات کشاورزی را وارد این نشست‌ها کنند که بعضی از آن‌ها نیز به موارد جنجالی و خبری تبدیل شد.

- پی‌گیری سیستماتیک وضعیت حجاب و عفاف

جمعی از تشکل‌های دانشجویی در مشهد در سال ۸۱، با انجام پژوهشی در مورد راهکارهای مقابله با بی‌عفتی در مشهد، با جلسه گذاشتن با مسئولان امر در حوزه‌های مختلف شهری و دانشگاهی اقداماتی را سامان دادند. طرحی آماده شد و به مسئولین و مجلس رفت، حتی در جلسه هیئت دولت وقت هم تصویب شد که روزنامه جام جم این مصوبه دولت خاتمی را تیتیر یک کرد. فارغ از داوری در مورد محتوای طرح به‌عنوان نمونه‌ای از پی‌گیری تخصصی قابل بررسی است.

- پی‌گیری بیداری اسلامی با شیوه‌ی تخصصی

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با جدی شدن مسائل بحرین و نقض حقوق بشر در آن، با انتشار بیانیه‌ای تحلیلی با ادبیات حقوقی موارد نقض حقوق بشر در بحرین را از نهادهای بین‌المللی و دولت عربستان مورد مطالبه قرار داد. شنیده‌ها از اعلام رضایت رهبر معظم انقلاب از این حرکت دانشجویی حکایت می‌کرد.

- مقابله‌ی با کارتن‌خوابی

با مرگ ۴۳ کارتن‌خواب در سرمای شب‌های تهران در سال ۸۳ اعضای جنبش عدالت‌خواه دانشجویی در یک حرکت هماهنگ با تحقیق و بررسی قوانین و وظایف نهادهای مسئول، ۵ شب مقابل نهادهای مسئول مسئله‌ی کارتن‌خوابی کردند در نهایت روز ششم با سخنرانی حس رحیم‌پور ازغدی در مسجد هدایت به این قضیه اعتراض کردند. دولت وقت بعد از این اعتراضات ۲ میلیارد تومان برای رفع این مسئله اختصاص داد و برای جلوگیری از مرگ کارتن‌خواب‌ها گرم‌خانه تأسیس شد.

- مقابله با خصوصی شدن سلامت و آموزش و پرورش و پی‌گیری تخصصی مسائل نظام

#### سلامت

بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۸۴ ضمن جشنواره‌ای با جمع‌آوری مقالات و بحث‌های تحلیلی و همین‌طور هنری دانشجویان پزشکی در مور عدالت در نظام سلامت تلاش کرد تا مسائل این حوزه را برای مسئولین مطرح کند.

تصمیم وزیر بهداشت و آموزش و پرورش در دولت دهم و همین‌طور اعلام نظر رییس سازمان خصوصی‌سازی مبنی بر حرکت به سمت خصوصی‌سازی در نظام سلامت و آموزش و پرورش موجب شد تا جنبش عدالت‌خواه دانشجویی با انتشار بیانیه‌هایی به این موضوع اعتراض کند، و در

متن سالانه‌ی خویش مقابل رهبر معظم انقلاب به این مسئله تأکید کند که با تأکید رهبر معظم انقلاب جلوی مسئله تا حدّ زیادی گرفته شد. با تداوم این مسئله اعضای شورای عمومی جنبش، در مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند، این تجمّع منجر به برگزاری جلسه با وزیر و قول مساعد وزیر برای پی گیری مسئله شد.

بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران با تشکیل مرکز سلامت بسیج، با صدور بیانیه‌های متعدد در مورد مسائل نظام سلامت موضع گیری کرد.

#### • پی گیری مسائل خصوصی سازی

معاونت فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) با چاپ یک ویژه‌نامه در زمان صدور سیاست‌های اصل چهل و چهار به بررسی ابعاد این مسئله پرداخت. کانون اندیشه‌ی مسلمان دانشگاه صنعتی امیرکبیر با برگزاری همایشی به همین مسئله همت گماشت. جنبش عدالت‌خواه دانشجویی نیز با نامه‌نگاری با رییس سازمان خصوصی‌سازی نسبت به بعضی اقدامات نسنجیده پی گیری‌هایی انجام داد.

#### • پی گیری‌های حقوقی مسائل کشور

بسیج دانشجویی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران با صدور بیانیه‌های مختلف در سال‌های ۸۴ تا ۸۶ نسبت به مسائل حقوقی مطرح در کشور اعتراض کرد، بازخوانی پرونده‌ی استات اوایل، زمین‌خواری‌های اطراف تهران، قوانین مجلس و... جزو این موارد بود، که با نگاهی حقوقی صورت گرفت.

جنبش عدالت‌خواه دانشجویی در پایان ریاست آیت‌الله هاشمی شاهرودی بر قوه‌ی قضائیه با انتشار بیانیه‌ای تحلیلی عملکرد قوه‌ی قضائیه را مورد نقد قرار داد. همچنین در اردیبهشت‌ماه سال‌های ۸۶، ۸۷، ۸۸ بیانیه‌های تحلیلی در مورد عملکرد مسئولین نظام در مورد مفاسد اقتصادی منتشر کرد.

#### • پی گیری عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی

معاونت فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در سال ۱۳۸۴ با انجام تحقیقی گستره از عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصاحبه گرفتن با اساتید، اقدام به چاپ ویژه‌نامه‌ای در نشریه‌ی هفت قفل به بررسی عملکرد آن نهاد پرداخت، سپس در برنامه‌ای رسمی ضمن مطالبه از عملکرد شورا به دعوت از دبیر وقت شورای عالی انقلاب فرهنگی پرداخت و بیانیه‌ای نیز در مورد عملکرد آن صادر کرد.

جنبش عدالت‌خواه دانشجویی و بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف در زمستان ۸۹ در بیانیه‌های جداگانه به بررسی و نقد عملکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی پرداختند.

#### • جنبش دفاع از استقلال

اعتراض به مسئله‌ی هسته‌ای هم از یک کار تخصصی شروع شد. نماینده‌ی اسبق ایران در آژانس انرژی اتمی، دکتر سعید زبیاکلام استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) با مراجعه به بچه‌های بسیج دانشجویی ابعاد حقوقی مسئله را باز کرد. بچه‌های بسیج با پرس و جو بررسی

قوانین عمق فاجعه را خبردار شدند و بعد مطالبه با نامه زدن و خبر کردن مردم و تشکل‌های دانشجویی با برگزاری جلسات و همایش و تجمع و در نهایت تحسن مقابل سعدآباد موقع برگزاری مذاکرات رقم و خورد و شعار انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست شعار ملی شد. این حرکت بعدها با قالب‌های مختلف نظیر زنجیره‌ی انسانی مقابل یوسی اف اصفهان و راکتور تهران و ده‌ها قالب دیگر تکرار شد.

• **جلوگیری از تخریب مزار شهدا**

با کلید خوردن طرح ساماندهی تخریب مزار شهدا بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و جنبش عدالت‌خواه دانشجویی با بررسی‌های جداگانه و صحبت با کارشناسان به تخریب مزار شهدای تهران اعتراض کردند. بعدها ده‌ها تشکل دانشجویی دیگر به این اعتراض پیوستند. در گام بعد بسیج دانشجویی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران با برگزاری جلسات تخصصی به بررسی ابعاد اجتماعی مسئله پرداخت و کانون اندیشه‌ی دانشجویی مسلمان دانشگاه صنعتی امیرکبیر نیز با انتشار بیانیه و برگزاری جلسات تخصصی به این قضیه اعتراض کرد. این اعتراضات از تخریب مزار شهدای تهران جلوگیری کرد.

• **پی‌گیری مسائل حاشیه‌نشین‌ها**

بسیج دانشجویی دانشکده‌ی جغرافیای تهران در سال ۱۳۸۵ اقدام به برگزاری همایش و کرسی نظریه‌پردازی با موضوع حاشیه‌نشین‌ها کرد و بازدید از وضعیت حاشیه‌نشین‌ها برگزار کرد. مجمع دانشجویان حزب‌الله دانشگاه علم و صنعت در سال ۱۳۹۰ با ساختن مستند منطقه‌ی ۱۹ به بررسی مشکل حاشیه‌نشین‌های منطقه پرداخت و با پخش آن در منطقه جلسه‌ی پاسخ‌خواهی با حضور نمایندگان عضو کمیسیون اصل نود مجلس در منطقه برگزار کرد.

• **پی‌گیری مسائل ایثارگران**

بسیج دانشجویی دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۵ به پی‌گیری مسائل ایثارگران در قالب پی‌گیری لایحه حقوق ایثارگران و مشکلات این لایحه پرداخت. با حمایت سخنگوی وقت دولت از این مسئله، اعضای بسیج یکی از جانبازان مورد دار را به انتهای کلاس درس سخنگوی دولت بردند و بعد از آن با حضور ایشان جلسه بحث در همین مورد برگزار کردند.

• **پی‌گیری بی‌توجهی به تولید داخلی و اقتصاد مقاومتی در کشاورزی**

بسیج دانشجویی دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه تهران با برگزاری نمایشگاه در مورد وضعیت پیاز جیرفت، جلسات در مورد مسائل اصلی کشاورزی کشور، اقتصاد مقاومتی و کشاورزی، و با صدور بیانیه‌هایی به موضع‌گیری در مورد مسائل اصلی این حوزه پرداخت.

• **مقابله با اولویت تولید خارجی به تولید داخلی**

در سال ۸۶ با دخالت بعضی نمایندگان مجلس شرکت خودروسازی چینی چری در تلاش بود، تا در بابل خط تولید به راه بیندازد و شنیده‌ها حاکی از آن بود، که قرار است حتی متخصصین خارجی آورده شده و احداث این کارخانه نه تنها سودی برای تولید داخل نداشت و حتی رویکرد صادراتی به آن نبود، بلکه معضلات زیادی برای تولیدکنندگان داخلی بدون داشتن آورده‌ی جدی

برای مردم نظیر اشتغال‌زایی و... بود، دانشجویان و طلاب بابتی در یک حرکت هماهنگ در هنگام افتتاح این کارخانه با نامه زدن به وزیر صنایع و پلاکارد گرفتن در برنامه‌ی سخنرانی او با جملاتی از پیامبر(ص) و امام در مورد منع سوء تدبیر اعتراض کردند. کار به این‌جا رسید که وزیر صنایع وقت در سخنرانی اعلام کرد، تا وزیر است نمی‌گذارد، کلنگ کارخانه‌ی خارجی در کشور زده شود. نتیجتاً کارخانه‌ی چری در بابل تأسیس نشد و به‌جای آن خط تولید ایران‌خودرو در آن‌جا فعال شد، گرچه این مورد نیز از آسیب‌هایی مثل عدم به‌کارگیری کارگر بومی رنج می‌برد و کارخانه‌ی چری در سکوت تشکل‌های خراسانی خط تولید خود را در مشهد راه‌اندازی کرد، اما افتادن این اقدام در بابل جلوگیری شد.

#### • نقد بنیاد مستضعفان

جنبش عدالت‌خواه دانشجویی در سال ۸۹ با تهیه گزارش تحلیلی از عملکرد بنیاد مستضعفان گزارشی برای نهادهای عالی کشور و رهبر معظم انقلاب فرستاد و نسخه‌ای قابل انتشار از آن را هم در رسانه‌ها منتشر کرد. این گزارش بعدها مورد پی‌گیری بعضی نهادهای مسئول قرار گرفت.

#### • مبارزه با واردات بی‌منطق محصولات کشاورزی

میزان واردات محصولات کشاورزی در اواخر سال ۸۹ و اوایل ۹۰ علی‌رغم کمبود تولید به جهت کاهش بارندگی و سیاست‌گذاری‌های قیمتی غیر کارشناسی در بدنه‌ی دولت علی‌رغم تأکیدات رهبری افزایش جدی یافت. در سال ۸۹ با همکاری بسیج دانشجویی دانشکده‌های کشاورزی دانشگاه‌های تهران (کرج و ابوریحان)، تربیت مدرس، شاهد و علوم تحقیقات شورای دانشجویی مبارزه با واردات بی‌منطق محصولات کشاورزی پیرو فرامین رهبر انقلاب در همان سال شکل گرفت. محور کار فشار رسانه‌ای بر متولیان بخش کشاورزی برای دفاع از حقوق کشاورزان بود. این کار در قالب یادداشت‌نویسی، بیانیه اساتید و دانشجویی، تولید خبر، انعکاس اخبار استان‌ها در رسانه‌های ملی و توجیه خبرنگاران اقتصادی حوزه مجلس برای سؤال از نمایندگان انجام شد. همچنین از گوشه و کنار جلسات مسئولین ارشد بخش بازرگانی و کشاورزی مقاومت غیرمعمول وزیر جهاد کشاورزی به گوش می‌رسید که مطمئناً فعالیت دوستان یکی از پشتوانه‌های مقاومت‌های متولیان تولید می‌باشد.

پس از مشاوره با خبرگان و ارتباط با اتاق‌های فکر بخش کشاورزی این مطالبات در سال‌های ۹۰ و ۹۱ رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفت و با کمک دانشجویان تحصیلات تکمیلی در غالب پی‌گیری طرح «انتزاع وظایف و اختیارات بخش کشاورزی از وزارت صنعت، معدن و تجارت و الحاق آن به وزارت جهاد کشاورزی» پی‌گیری شد. این طرح علی‌رغم مخالفت‌های صریح واردات‌چی‌ها، اتاق بازرگانی و صنعت، معدن و تجارت و هیئت دولت در سال ۹۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. دانشجویان همان شورای دانشجویی حضور فعال در جلسات کمیسیون مشترک این طرح در مجلس داشتند و فضای رسانه را به سود این طرح مدیریت می‌کردند. هدف این طرح تمرکز بخشی به مدیریت زنجیره‌ی تولید کشاورزی از مرحله تأمین اعتبار تا مصرف بود. جالب اینکه به‌دستور معاون اول رئیس‌جمهور وزیر و معاونین وزارت جهاد

کشاورزی اجازه دفاع از طرح را نداشتند که با فشارهای سیاسی و رسانه‌ای دانشجویان مجبور به موضع‌گیری در مجلس شدند. با تصویب این طرح، هزینه فساد و سوء مدیریت بازرگانی و تولید بخش کشاورزی بالا رفته و ابزار مدیریت به‌دست متولیان بخش کشاورزی قرار داده شد.

• حمایت از تولید کشاورزی و کاهش وابستگی در قوت غالب مردم

پس از اعلام قیمت پائین خرید تضمینی گندم در اوایل سال ۹۱ و در پی آن احتمال وقوع مخاطرات امنیتی برای کشور از جهت غذایی و نارضایتی کشاورزان به جهت عدم تناسب قیمت با تورم قیمتی نهاده‌های تولید، بسیج دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران (کرج) به این نتیجه رسید که این مسئله، معضلات امنیتی داشته و هم‌چنین پائین اعلام کردن قیمت خرید تضمینی موجب کم شدن سطح زیر کشت و نهایتاً تولید سال زراعی پیش رو شده و حجم واردات را افزایش می‌دهد و عواید این سوء مدیریت اولاً در جیب بنگاه‌های اقتصادی غرب و ثانیاً واردات‌چی‌های داخلی خواهد رفت. لذا در عملیاتی یک ماهه و با نوشتن چند یادداشت تحلیلی و بیانیه و تبیین تهدیدهای این قیمت‌گذاری و همچنین اثرگذاری در فضای مجلس شورای اسلامی از جانب اعضای تحصیلات تکمیلی عضو بسیج، وزیر کشاورزی ابتدا مورد سؤال قرار گرفت و نمایندگان طی بیانیه نارضایتی خود را از قیمت‌گذاری صورت گرفته اعلام داشته و قیمت بالاتری را پیشنهاد دادند. دولت مجبور شد سریعاً قیمت را از کیلویی ۳۹۵ به ۴۲۰ تومان تغییر دهد. با توجه به اینکه قیمت جدید باز هم تمام اهداف دانشجویان را تأمین نکرد اما این تجربه کوتاه‌مدت نشان داد، حضور تخصصی دانشجویان در بزنگاه‌های تصمیم‌گیری کشور می‌تواند حدود ۳۳۸ میلیارد تومان از بیت‌المال را به جیب مستضعفان برگرداند.

